

۱۳۸	درس ۱۵: تمثیل (ضرب المثل)
۱۳۹	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۵
۱۴۴	درس ۱۶: لُق و نشر (ویژه علوم انسانی)
۱۴۵	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۶
۱۴۷	درس ۱۷: آشنایی با سه اصطلاح ادبی (سهل ممتنع، نماد، طنز)
۱۴۹	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۷

بخش دوم: قالب های شعری

۱۵۱	آموزش قالب های شعری
۱۵۶	پرسش های چهارگزینه ای قالب های شعری
۱۵۹	✓ تست های جامع (ترکیبی)
۱۵۹	الگوی اول: آرایه در صورت سؤال
۱۶۶	الگوی دوم: آرایه در گزینه
۱۷۷	الگوی سوم: آرایه در مقابل گزینه
۱۸۸	الگوی چهارم: الفبایی - ترتیبی
۲۰۱	الگوی پنجم: شمارشی

کتاب دوم: تاریخ ادبیات

۲۰۷	بخش اول: نگاهی به تاریخ ادبیات و مهارت های راهبردی تست زنی
-----	---

بخش اول: تاریخ ادبیات درس به درس + تست

۲۱۰	فارسی دهم
۲۲۴	فارسی یازدهم
۲۳۹	فارسی دوازدهم

بخش دوم: تاریخ ادبیات جامع + تست

۲۵۴	فهرست الفبایی کل آثار و مشخصات آنها در یک نگاه
۲۵۷	تخلص و شهرت
۲۵۸	سرایندگان نامی رباعی و غزل اجتماعی
۲۵۸	گونه شناسی
۲۶۴	✓ تست های جامع (ترکیبی) تاریخ ادبیات

کتاب نخست: آرایه های ادبی و قالب های شعری

۹	بخش اول: نگاهی به آرایه های ادبی و مهارت های راهبردی تست زنی
---	---

بخش اول: آرایه های ادبی

۱۴	درس ۱: تشبیه
۱۸	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱
۲۳	درس ۲: استعاره و تشخیص
۲۹	پرسش های چهارگزینه ای درس ۲
۳۴	درس ۳: مجاز
۳۶	پرسش های چهارگزینه ای درس ۳
۴۰	درس ۴: کنایه
۴۲	پرسش های چهارگزینه ای درس ۴
۴۷	درس ۵: حسن آمیزی
۴۹	پرسش های چهارگزینه ای درس ۵
۵۳	درس ۶: حسن تعلیل
۵۵	پرسش های چهارگزینه ای درس ۶
۵۹	درس ۷: اسلوب معادله
۶۱	پرسش های چهارگزینه ای درس ۷
۶۵	درس ۸: ایهام و ایهام تناسب
۷۲	پرسش های چهارگزینه ای درس ۸
۷۷	درس ۹: تضاد و متناقض نما (پارادوکس)
۸۰	پرسش های چهارگزینه ای درس ۹
۸۷	درس ۱۰: تلمیح و تضمین
۹۲	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۰
۹۸	درس ۱۱: سجع و جناس
۱۰۲	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۱
۱۱۳	درس ۱۲: واج آرای و تکرار
۱۱۵	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۲
۱۲۳	درس ۱۳: مراعات نظیر (تناسب)
۱۲۴	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۳
۱۳۰	درس ۱۴: اغراق
۱۳۱	پرسش های چهارگزینه ای درس ۱۴

خشت اول

(نگاهی به آرایه‌های ادبی و مهارت‌های راهبردی تست زنی)

«خشت اول گر نهد معمار، کج تا ثریا می‌رود دیوار، کج»

○ تعداد سؤالات آرایه‌های ادبی در کنکور: ۴ سؤال ← ۱۶ درصد

○ بهترین شگرد برای پاسخ‌گویی به سؤالات آرایه‌های ادبی، شناخت الگوهای سؤالات و راهکارهای حذف گزینه است؛ برای دستیابی به این مهم، یادگیری آرایه‌ها بر اساس اولویت کارآمدی آنها در حذف گزینه ضروری است. از این رو ما در این پیش‌گفتار، آرایه‌ها را به سه دسته «طلایی، نقره‌ای و برنزی» تقسیم می‌کنیم و سپس شیوه‌های پاسخ‌گویی را در قالب تست نمونه و الگوهای سؤالات کنکور بیان می‌کنیم:

دسته‌بندی آرایه‌های ادبی

دسته اول: آرایه‌های طلایی	
اسلوب	آوردن مثالی در یک مصراع برای اثبات ادعای موجود در مصراع دیگر: «آدمی پیر چو شد، حرص جوان می‌گردد (ادعا) [همان طور که] خواب در وقت سحرگاه گران می‌گردد»
معادله	
متناقض‌نما (پارادوکس)	نسبت دادن هم‌زمان دو صفت «متضاد و متقابل» به یک چیز که از نظر عقلی و منطقی ممکن نیست: «هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است»
حسن تعلیل	آوردن علت خیالی و شاعرانه برای امری واقعی: «رسم بدعهدی ایام چو دید ابر بهار گریه‌اش بر سمن و سنبل و نسرين آمد» (گریستن ابر از غم گل‌ها، علت خیالی برای باران)
حسن آمیزی	آمیختن دو یا چند حس باهم از جمله، امور انتزاعی: عشق سوزان (آمیختن حس لامسه با امر ذهنی عشق) شعر تر شیرین (آمیختن حواس شنوایی، لامسه و چشایی)
تشبیه	ادعای همانندی خیالی بین دو یا چند چیز: «درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد.» (دوستی مانند درخت است.)
تضاد	آوردن دو واژه یا ترکیب با مفهوم متقابل: «گفتی به غمغم بنشین یا ز سر جان برخیز فرمان برمت جانا بنشینم و برخیزم»
جناس	آوردن دو واژه با معنای متفاوت و با تلفظ یکسان (همسان یا تام) یا دارای یک تفاوت در تلفظ (ناهمسان یا ناقص): «گلاب است گویی به جویش روان همی شادگرد ز بویش روان» (جویش و بویش ← ناهمسان / روان: جاری و روان: روح ← همسان)

دسته دوم: آرایه‌های نقره‌ای	
ایهام	به کار بردن واژه‌ای دست کم با دو معنا که معمولاً هر دو معنای آن، پذیرفتنی است: «کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه که زیر تیغ تو هر دم سر دگر دارد» (پروانه ← ۱- اجازه ۲- حشره معروف)
ایهام تناسب	به کار بردن واژه‌ای با دو معنا که یک معنای آن، پذیرفتنی و معنای دیگر آن، با واژه یا واژه‌های دیگری تناسب داشته باشد: «دولت صحبت آن شمع سعادت پرتو باز پرسید خدا را که به پروانه کیست؟» پروانه ← ۱- اجازه (معنای پذیرفتنی) ۲- حشره معروف (معنای ناپذیرفتنی؛ با واژه «شمع» تناسب دارد).
مجاز	آوردن واژه‌ای در معنای دیگر با نشانه‌ای از واژه اصلی در کلام: «من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم که گاه‌گاه بر او دست اهرمن باشد» نگین ← مجاز از انگشتری (نشانه: سلیمان و دست اهرمن)
استعاره	نوع اول: حذف مشبّه (مجاز با رابطه شباهت): سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند؟ (سرو: معشوق) نوع دوم: نسبت دادن خیالی ویزگی یا اجزای چیزی به چیز دیگر به صورت‌های تشخیص، جان‌بخشی و غیر جان‌بخشی: ۱- تشخیص (انسان‌انگاری): چشم آسمان (آسمان مانند انسان دارای چشم است). توجه تشخیص خطابی (خطاب به غیر جاندار): ای ناله در عذابیم، همراز اشک و آهی نکته اگر غیر جاندار استعاره نوع اول از جاندار باشد، تشخیص نیست: ای غنچه خندان، چرا خون در دل ما می‌کنی؟ (غنچه: استعاره از معشوق) ۲- جان‌بخشی : (نسبت دادن ویزگی جاندار به غیر جاندار): بال‌های آرزو (آرزو مانند پرنده دارای بال است). ۳- غیر جان‌بخشی : (نسبت دادن ویزگی غیرجاندار به غیر جاندار): کنگره عرش (عرش مانند کاخ دارای کنگره است: غیر جان‌بخشی)
تلمیح	اشاره آگاهانه شاعر به مفهوم آیه، حدیث، واقعه یا داستان و ... : «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو» ← «الدنیا مزرعه الآخرة»
تضمین	آوردن مستقیم کلامی دیگر در میان کلام خود: «زینهار از قرین بد زنهار و قنا رتنا عذاب التار» ← «تضمین از آیه قرآن»
لف و نشر (ویژه انسانی)	آوردن دو یا چند واژه در بخشی از کلام که توضیح مربوط به هر یک از آنها در بخش دیگر بیاید. «با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت» لف ۱ جیب ۲ جام ۳ می ۴ جم نشر ۱ جیب ۲ جام ۳ می ۴ جم نشر ۲

الگوهای رایج سوالات آرایه‌های ادبی در کنکور

الگوی شماره (۱): آرایه در صورت سؤال

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی بیت‌ها بر محور آرایه مورد نظر و حذف گزینه‌ها بر اساس نبود آرایه

نمونه ۱: در همه ابیات زیر، متناقض‌نما (پارادوکس) وجود دارد، به جز:

- (۱) ز بندگی شما صد هزارم آزادی است
 (۲) به روز افغانی و شب یاری داشت
 (۳) خامشی از کرده‌های بد به فریادم رسید
 (۴) دعوی هستی در این میدان، دلیل نیستی است
- که سلطنت کند آن کاو بود گدای شما
 به یمن عشق خوش روز و شبی داشت
 بی‌زبانی‌ها زبان عذرخواهی شد مرا
 هر که فانی می‌شود، موجود می‌دانیم ما

پاسخ: گزینه (۲)؛ بیت این گزینه، «متناقض‌نما» (پارادوکس) ندارد.

نمونه ۲: در کدام بیت «ایهام، ایهام‌تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- (۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
 (۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه
 (۳) مرغ دل باز هوادار کمان‌ایروبی است
 (۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
- ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد
 که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
 ای کیوتر نگران باش که شاهین آمد
 که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

پاسخ: گزینه (۳)؛ با «تشبیه» گزینه (۲) و با «ایهام» گزینه‌های (۱) و (۴) رد می‌شوند.

الگوی شماره (۲): آرایه در گزینه

شگرد پاسخ‌گویی: بررسی بیت بر اساس نبود آرایه و حذف گزینه‌ها

نمونه ۱: بیت زیر «فاقد» کدام آرایه‌های ادبی است؟

- «شود از مهر خموشی دل خامش گویا»
 (۱) ایهام، حس آمیزی
 (۲) استعاره، تناقض
 (۳) تشبیه، مراعات‌نظیر
 (۴) مجاز، اسلوب معادله

پاسخ: گزینه (۱)؛ بیت ایهام ندارد.

نمونه ۲: آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «آب آتش می‌برد خورشید شب‌پوش شما»
 (۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد
 (۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح
 (۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس
 (۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

پاسخ: گزینه (۱)؛ ایهام و مجاز در بیت نیست؛ ← حذف سایر گزینه‌ها

(انسانی ۹۸)

(ریاضی ۹۸)

مجاز

درس ۳

◉ به بیت‌های زیر، توجه کنید:

الف) ساقیا، پیمانه پر کن ز آن که صاحب مجلس است
ب) چو آشامیدم این پیمانه را پاک

آرزو می‌بخشد و اسرار می‌دارد نگاه
دراقتادم ز مستی بر سر خاک

در بیت «الف»، واژه «پیمانه» در معنای **حقیقی** خود به کار رفته است؛ چون شاعر از ساقی می‌خواهد که پیمانه را از شراب پر کند؛ اما در بیت «ب»، واژه «پیمانه» در معنای **حقیقی** خود به کار نرفته است؛ چون پیمانه نوشیدنی نیست؛ بلکه محتویات آن (شراب) نوشیدنی است و فعل «آشامیدم» نشانه‌ای است که ما را به معنای **غیرحقیقی**، یعنی «شراب» هدایت می‌کند؛ بنابراین واژه «پیمانه» در این بیت، «مجاز» است.

◉ اما در بیت زیر، واژه «می» به عکس در معنای **غیرحقیقی** «جام و پیمانه» که ظرف آن است، به کار رفته و **مجاز** است: «گل در بر و می در کف و معشوق به کام است سلطان جهانم به چنین روز غلام است»

◉ در عبارت زیر نیز، واژه «قلم» که خود، ابزار نوشتن است، به جای «نوشته و اثر» به کار رفته و **مجاز** است: «متوجه شدم که قدرت **قلم** این نویسنده بزرگ تا چه حد بوده است که فرهنگ و تمدن فرانسوی را حتی در دل دهات دورافتاده ایران مثل پاریز هم، فرابرده است.»

◀ **نتیجه** هرگاه واژه‌ای در غیر معنای **حقیقی** خود به کار رود و قرینه‌ای (نشانه‌ای) ما را به آن معنا هدایت کند، آن واژه، «مجاز» است.

◉ **مجاز با پیوند شباهت (استعاره)**

◉ آیا «استعاره» نیز «مجاز» است؟

◉ **استعاره** نیز در اصل، نوعی از «مجاز» شمرده می‌شود؛ زیرا واژه استعاری به دلیل داشتن پیوند یا رابطه «شباهت»، در غیر معنای **حقیقی** خود به کار می‌رود؛ برای مثال در بیت زیر، واژه‌های «پسته» و «بادام» در مصراع اول، در معنای **حقیقی** خود، ولی در مصراع دوم، به دلیل برخورداری از رابطه **شباهت**، به ترتیب در معنای **غیرحقیقی** یا **مجازی** «دهان» و «چشم» معشوق به کار رفته‌اند:

«چو از این پسته و بادام ندیدم کامی کام جان من از آن **پسته** و **بادام** دهید»

👉 **توجه** در تعیین و شمارش مجازها، استعاره‌ها نیز محاسبه می‌شوند؛ برای مثال در بیت زیر، با احتساب استعاره «نرگس» (به جای چشم)، چهار مجاز وجود دارد:

«همه مستی خلق از **ساغر** و **پیمانه** می‌خیزد مرا **دیوانگی** زان **نرگس** مستانه می‌خیزد»

① ساغر (پیاله): مجاز از شراب («ظرف» به جای محتوای ظرف، یعنی «شراب» به کار رفته است).

② پیمانه (جام): مجاز از شراب («ظرف» به جای محتوای ظرف، یعنی «شراب» به کار رفته است).

③ دیوانگی: مجاز از عشق و مستی («عشق و مستی»، سبب «دیوانگی» می‌شود).

④ نرگس: مجاز یا استعاره از چشم («چشم» به «نرگس» شباهت دارد).

بیشتر بدانیم

مهم‌ترین شکل‌های مجاز:

- ۱ آمدن کل به جای جزء: سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم (سر: کل / مو: جزء)
مجاز از مو
- ۲ آمدن جزء به جای کل: من آن نَگینِ سلیمان به هیچ نستانم (نگین: جزء / انگشتری: کل)
مجاز از انگشتری
- ۳ آمدن ظرف به جای مظلوف (محتویات ظرف): بنوش جامِ صبحی به نالهٔ دف و چنگ (جام: ظرف / شراب: مظلوف)
مجاز از شراب
- ۴ آمدن محل به جای افراد محل و ...: دل عالمی بسوزی، چو عذار (چهره) برفروزی (عالم: محل / مردم: افراد محل)
مردم
- ۵ آمدن ابزار یک عمل به جای خود عمل: تو مرد زبان نیستی خاموش باش (زبان: ابزار / سخن: عمل)
مجاز از سخن
- ۶ آمدن جنس چیزی یا وسیله‌ای به جای خود آن چیز یا وسیله: تهمتن، گز اندر کمان راند زود [گز (چوب درخت گز): جنس تیر / تیر: وسیله]
- ۷ آمدن همراهی چیزی یا عملی به جای خود آن چیز یا عمل: محتاج قصه نیست گرت قصد خون ماست (خون: همراهی کشتن / کشتن: عمل)
مجاز از کشتن
- ۸ آمدن سبب چیزی یا عملی به جای خود آن چیز یا عمل: زهره ندارم که کنم این خطر (زهره: سبب جرئت / جرئت: عمل)
مجاز از جرئت
- ۹ آمدن واژه‌ای در معنایی دیگر به دلیل شباهت: عاقبت دست، بدان سرو بلندش برسد
مجاز (استعاره) از قد

نکته برخی از واژه‌ها، بسته به کاربرد آنها می‌توانند در بیش از یک معنای مجازی به کار روند؛ مانند واژه «سر» در بیت‌های زیر:

«سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم وز این درخت، همین میوهٔ غم است برم»
 (سر ← مجاز از «مو»؛ زیرا؛ «سر» که کل است، به جای «مو» که جزئی از سر است، به کار رفته است.)
 «هر کسی را سر چیزی و تمّای کسی است ما به غیر تو نداریم تمّای دگر»
 (سر ← مجاز از «قصد و اندیشه»؛ زیرا؛ «سر» که محل اندیشیدن و تصمیم گرفتن است، به جای «قصد و اندیشه» به کار رفته است.)

نمونه‌هایی از مجاز

- «سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی»
 (سر: مجاز از قصد و تصمیم / آمدن محل به جای عمل)
 «شبی یاد دارم که چشمم نخفت شنیدم که پروانه با شمع گفت»
 (چشم: مجاز از تمام وجود شاعر / آمدن جزء به جای کل)
 «دست در حلقهٔ آن زلف دو تا نتوان کرد تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد»
 (دست: مجاز از انگشت / آمدن کل به جای جزء)
 «هر کاو نکند فهمی زین کِلک خیال‌انگیز نقشش به حرام، آر خود صورتگر چین باشد»
 (کِلک = قلم: مجاز از نوشته و نقش / آمدن ابزار یک کار به جای خود کار)
 «دیدم که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند»
 (خون: مجاز از کشتن / آمدن همراه یک چیز به جای خود آن)
 «دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند»
 (دم: مجاز از سخن / آمدن سبب یک عمل به جای خود عمل)

دست گرمی

در بیت‌های زیر، واژه‌هایی را که «مجاز» دارند، بیابید و «معنای مجازی» آنها را بنویسید.

الف) سیرم از خاک و به افلاک نگاه می‌دارم
 ب) من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم
 پ) تو بدین لعل گهربار که داری حیفاست
 ت) فصل گل می‌گذرد همنفسان، بهر خدا
 ث) گرفتم آن‌که جهانی به یاد ما بودند
 ج) یاد باد آن‌کاو به قصد خون ما
 چ) دوش چون نیلوفر از غم پیچ و تاب داشتیم

پاسخ: الف) خاک ← مجاز از «دنیا و نعمت‌های آن» ب) «ساغر» ← مجاز از «شراب»
 پ) لعل ← مجاز از «لب و دهان» (مجاز با رابطه «شبهت» که «استعاره» نام دارد.) / کف ← مجاز از «دست»
 یا «تمام وجود»
 ت) گل ← مجاز از «بهار» ث) جهان ← مجاز از «مردم» ج) خون ← مجاز از «کشتن» چ) نفس ← مجاز از «لحظه»

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۶۴ در کدام گزینه، واژه مشخص شده در معنای «حقیقی» به کار رفته است؟

- ۱) ای که وصف روی زردم در قلم می‌آوری
- ۲) وصل و هجر دوست می‌کوشند هر یک تاکنند
- ۳) گر گلوگیر نمی‌شد غم نان مردم را
- ۴) بر گرد سرش گشتم، گفتا مهل^۱ از دستم

۶۵ واژه «ساغر» در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه در معنای «مجازی» به کار رفته است.

- ۱) من نه آن رندم که ترک شاهد و ساغر کنم
- ۲) شکر ایزد که میان من او صلح افتاد
- ۳) هر آن‌که راز دو عالم ز خط ساغر خواند
- ۴) ساغری نوش کن و جرعه بر افلاک فشان

۶۶ در کدام گزینه، «مجاز» با رابطه «شبهت» یافت می‌شود؟

- ۱) هر کاو نکند فهمی، زین کلک خیال‌انگیز
- ۲) شب دراز به مرگان، ستاره می‌شمرم
- ۳) دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی
- ۴) همچو الحمدم فکندی در زبان خاص و عام

۶۷ کدام گزینه، فاقد آرایه «مجاز» است؟

- ۱) صاحب‌نظران، این نفس گرم چو آتش
- ۲) درمان درد عشق، صبوری بود ولی
- ۳) گرفتم سال را پنهان کنی با مو چه می‌سازی؟
- ۴) در شرع به شمشیر تو شد سوخته بدعت

۶۸ در کدام گزینه، شاعر از آرایه «مجاز» بهره برده است؟

- ۱) ای بهتر از جوانی و ای خوش‌تر از امید
- ۲) چو گیسوی تو ندارد بنفشه حلقه و تاب
- ۳) صیدی که تو را گشته گرفتار، منم من
- ۴) تا نیفتد به دو چشم تو مرا چشم دگر

۶۹ در کدام بیت‌ها، «مجاز» دیده می‌شود؟

- الف) هجوم غم رسید اندر دل و راه فغان گم شد
 - ب) دردی است درد عشق که هیچش طیب نیست
 - ج) طی نگشسته روزگار کودکی، پیری رسید
 - د) عاشق به جهان چه غصه دارد
- ۱) الف، ب ۲) ب، ج ۳) الف، د ۴) ج، د

۷۰ تعداد «مجاز» در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه یکسان است.

- ۱) ای صبا، گر به جوانان چمن باز رسی
- ۲) به حرفی عقل شد بیگانه از من، عشق را نازم
- ۳) تو بدین لعل گهربار که داری حیف است
- ۴) فصل گل فارغی از عیش، فروغی تا چند

در بیت زیر، چند «مجاز» به کار رفته است؟

- «مکن اندیشه فردا و قدح نوش امروز»
- ۱) یک ۲) دو ۳) سه ۴) چهار

در کدام بیت، کلمه «جهان» در معنای مجازی به کار رفته است؟

- ۱) خسروان، قبله حاجات جهان‌اند ولی
- ۲) هر که آمد به جهان، نقش خرابی دارد
- ۳) ای شاهد شاهدهان عالم
- ۴) مرا خود با تو چیزی در میان هست

در همه بیت‌ها به‌جز بیت آرایه «مجاز» دیده می‌شود.

- ۱) فردا چو پیشگاه حقیقت شود پدید
- ۲) چون می از خم به سبب رفت و گل افکند نقاب
- ۳) بنال بلبل اگر با منت، سر یاری است
- ۴) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت

۷۴ واژه «سینه» در همه گزینه‌ها به‌جز گزینه در معنای مجازی به کار رفته است.

- ۱) سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
- ۲) زین آتش نهفته که در سینه من است
- ۳) مدعی خواست که آید به تماشاگاه راز
- ۴) سینه تگ من و بار غم او هیهات!

۷۵ در کدام گزینه، واژه مشخص شده، «مجاز» نیست؟

- ۱) تو را کس نکوید نکو می‌کنی
 - ۲) تأمل به حسرت کنان شرمسار
 - ۳) این بار جام پر کن لیکن تمام پر کن
 - ۴) مبادا که فردا به خون منش
- که جان در سر کار او می‌کنی
چو درویش در دست سرمایه‌دار
تا چشم سیر گردد، یک‌سو نهد حسد را
بگیرند و خرم شود دشمنش

۷۶ در کدام گزینه، نویسنده از «مجاز» بهره نگرفته است؟

- ۱) شهر داشت خود را برای استقبال از بهار آماده می‌کرد.
- ۲) گنجه با واپسین رمق‌هایش زیر سقفی از دود و غبار نفس می‌کشید.
- ۳) اروپا قدم‌های بزرگی در راه علم و صنعت برداشته است.
- ۴) شما جنگاوران سرافراز، در طول سال‌های دفاع، شجاعانه و مخلصانه جنگیدید.

۷۷ در کدام بیت، واژه «دشت» در «معنای مجازی» به کار رفته است؟

- | | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ۱) به دستور فرمود تا ساروان | هیون آرد از دشت، صد کاروان |
| ۲) سراسر همه دشت بریان شدند | بر آن چهر خندان‌ش، گریان شدند |
| ۳) یکی دشت با دیدگان پر ز خون | که تا او کی آید ز آتش برون |
| ۴) چو از کوه آتش به هامون گذشت | خروشیدن آمد ز شهر و ز دشت |

۷۸ در کدام گزینه «مجاز» دیده می‌شود؟

- ۱) دایی جان میرزا غلامرضا که در تجدّد، افراط داشت، اولین مرد عینکی بود که دیده بودم.
- ۲) کلاس ما شاگرد زیادی نداشت؛ همه شاگردان اگر حاضر بودند، تا ردیف ششم می‌نشستند.
- ۳) حالا کلاس، سخت در خنده فرو رفته، من بدبخت هم دست و پایم را گم کرده‌ام.
- ۴) یکی یکی، عینک‌ها را امتحان کردم؛ بالاخره یک عینک به چشمم خورد و عینکی شدم.

۷۹ در همه ابیات، به جز بیت آرایه «مجاز» به کار رفته است.

- | | |
|---------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) پندم مده ای دوست که دیوانه سرمست | هرگز به سخن، عاقل و هشیار نباشد |
| ۲) سهل است به خون من اگر دست برآری | جان دادن در پای تو دشوار نباشد |
| ۳) هر پای که در خانه فرو رفت به گنجی | دیگر همه عمرش سر بازار نباشد |
| ۴) ماهت نتوان خواند بدین صورت و گفتار | مه را لب و دندان شکر بار نباشد |

۸۰ واژه «سعدی» در همه گزینه‌ها، به جز گزینه مجاز است.

- ۱) خاله‌ام نیز خوش‌وقت بود که من نسبت به کلام سعدی، علاقه نشان می‌دادم؛ بنابراین مرا همراهی می‌کرد.
- ۲) سعدی برای من به منزله شیر آغوز بود برای طفل که پایه عضله و استخوان‌بندی او را می‌نهد.
- ۳) پس از خواندن سعدی، وقتی از خانه خاله‌ام به خانه خودمان بازمی‌گشتم قوز می‌کردم و لگه می‌دویدم.
- ۴) به رخت‌خوابی که پشت سرمان جمع شده بود و حکم پستی داشت، تکیه می‌دادیم و سعدی می‌خواندیم.

۸۱ در همه گزینه‌ها، به جز گزینه آرایه «مجاز» وجود دارد.

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| ۱) گَرم ورزد آن سرکه مغزی در اوست | که دونه‌متانند بی مغز و پوست |
| ۲) شغال نگون‌بخت را شیر خورد | بماند آنچه روباه از آن سیر خورد |
| ۳) در این بود درویش شوریده‌رنگ | که شیری برآمد، شغالی به چنگ |
| ۴) بخور تا توانی به بازوی خویش | که سعیت بُود در ترازوی خویش |

۸۲ در کدام عبارت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره و مجاز» یافت می‌شود؟

- ۱) شهر را و گیرودار شهر را رها کرد و چشم‌ها را منتظر گذاشت و به دهی آمد که هرگز در انتظار آمدن چون او کسی نبود.
- ۲) در آستانه میوه دادن درختی که جوانی را به پایش ریخته بود و در آن هنگام که بهار حیات علمی و اجتماعی‌اش فرا رسیده بود.
- ۳) به سراغ دادگستری رفتم تا قاضی شوم و درخت بیداد را از بیخ و بن براندازم. دادیاری دو شهر ساوه و دزفول به من پیشنهاد شد.
- ۴) پدرم لیسانسم را قاب گرفت و بر دیوار گچ فروریخته اتاقمان آویخت و همه را به تماشا آورد. تصدیق قشنگی به شکل مربع مستطیل بود.

۸۳

در کدام بیت، «مجاز» از نوع «استعاره» است؟

- ۱) آمدی با تاب گیسو، تا که بی‌تایم کنی
- ۲) اگر خون دو عالم را بریزد
- ۳) گل در بر و می در کف و معشوق به کام است
- ۴) دلا به دست‌گرفتی می، این چه دستان است

زلف را یک سو زدی تا غرق مهتابم کنی
همین بس عذر چشم او که مست است
سلطان جهانم به چنین روز، غلام است
نه می گل است و نه طبع هزاردستان است

۸۴

در کدام گزینه هر دو آرایه «مجاز و استعاره» مشهود است؟

- ۱) به خون‌گر کشی خاک من، دشمن من
- ۲) تنم گر بسوزی به تیرم بدوزی
- ۳) میندار این شعله افسرده گردد
- ۴) نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش

بجوشد گل اندر گل از گلشن من
جدا سازی ای خصم سر از تن من
که بعد از من افروزد از مدفن من
بتازد به نیرنگ تو، توسن من

۸۵

آرایه مقابل کدام گزینه، نادرست آمده است؟

- ۱) مست‌اند همه خانه کسی را خبری نیست
- ۲) یا رب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین
- ۳) ما را هوای چشمه خورشید در سر است
- ۴) گر بمیرم به جز از شمع کسی نیست که او

از هر که در آید که فلان است و فلانه است (مجاز)
دُر یکتای که و گوهر یكدانه کیست؟ (استعاره)
سهل است سایه، گر برود سر در این هوس (تشبیه)
بر من خسته بگردید ز سر سوز که هست (تشخیص)

۸۶

در کدام بیت، هر سه آرایه «مجاز، تشبیه و استعاره» یافت می‌شود؟

- ۱) دل چو غنچه من نشکفد به بوی بهار
- ۲) ما ملک عافیت نه به لشکر گرفته‌ایم
- ۳) چو دریای خون شد همه دشت و راغ
- ۴) برآمد صبح همچون نار خندان

بهار من بود آن‌گه که یار می‌آید
ما تخت سلطنت نه به بازو نهاده‌ایم
جهان چون شب و تیغ‌ها چون چراغ
بزد یک خنده بر گردون گردان

۸۷

در کدام عبارت، آرایه «مجاز» هست؟

- ۱) از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام
- ۲) در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است

(زبان ۸۴)

- ۲) همچون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام
- ۴) نالم به دل چو نای، من اندر حصار نای

۸۸

در همه بیت‌ها، به جز بیت «مجاز» مشهود است.

- ۱) پیش دیوار آنچه گویی هوش دار
- ۲) ای زبان، هم گنج بی‌پایان تویی
- ۳) به یاد روی شیرین، بیت می‌گفت
- ۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند

(انسازی ۸۶)

تا نباشد در پس دیوار گوش
وی زبان، هم رنج بی‌درمان تویی
چو آتش، تیشه می‌زد، کوه می‌سفت
نشاید پس از مرگش الحمد خواند

۸۹

در کدام بیت، دارای یک «استعاره» و بیشترین «مجاز» است؟

- ۱) چگونه سررو روانی به فکر خون من افتد
- ۲) مرا به صیدگهی می‌کشد کمند محبت
- ۳) چه عشو‌ها که خریدم ز چشم عشو‌فروزش
- ۴) کجا رواست که یک‌جا رود به دامن گلچین

(انسازی ۹۷)

که ریخت خون جهانی به خاک راهگذارش
که خون شیر خورند آهوان شیرشکارش
چه باده‌ها که کشیدم ز لعل باده‌گسارش
گلی که بلبل مسکین کشید زحمت خارش

۹۰

واژه «سر» در کدام بیت مجاز نیست؟

- ۱) کار با عشق فتاد، از سرم ای عقل برو
- ۲) عذری بنه اول که تو درویشی و او را
- ۳) مگر که سر بدهم و نه من ز سر نهم
- ۴) مشک با حلقه مویت سر سودا دارد

(فراغ از کشور ۹۸)

چه دهی و سوسه دیدم هنری نیست تو را
در مملکت حسن سر تاجوری بود
امید وصل در این ره چو پای بنهادم
کج خیالی است مگر مشک ختا را سوداست

ایهام و ایهام تناسب

درس ۸

ایهام

○ ایهام ویژگی واژه یا عبارتی است که دست کم دو معنی دارد. یک معنی آن، نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن است؛ اما هر دوی آنها پذیرفتنی است؛ هر چند که بیشتر معنی دور آن مدنظر گوینده است.

○ بیت زیر را به دقت بخوانید:

«ما را اگر تو مشتری‌ای، این، سعادت است / بنمای رخ که دیدن رویت، بهار ماست»

در نگاه اول، کدامیک از معانی واژه «مشتری» به ذهن شما می‌رسد؟ خریدار یا سیاره مشتری؟ لابد «خریدار» اولین معنایی است که به ذهن شما می‌رسد و مصراع اول را این‌گونه معنی می‌کنید: «اگر تو خریدار ما هستی، این، مایه سعادت است.»

اینک واژه «مشتری» را در معنای «سیاره مشتری» به کار می‌بریم؛ معنی مصراع اول، این‌گونه می‌شود: «اگر تو سیاره مشتری ما هستی، این مایه سعادت است.»

هر چند هر دو معنای آن، پذیرفتنی است، با توجه به مصراع دوم، معنای دوم، ترجیح داده می‌شود. در واقع، شاعر با این شگرد خواسته است با ذهن خواننده بازی کند و با ایجاد نوعی سرگردانی ذهنی، او را از لذت ادبی برخوردار نماید.

○ این بازی شاعرانه را در بیت زیر نیز می‌بینیم:

«آن روز که چون نرگسم از خاک برآید / چشمم نگران گل خندان تو باشد»

در این بیت، واژه «نگران» در دو معنی، یکی نزدیک به ذهن (به معنی دلواپس و مضطرب) و دیگری دور از ذهن (به معنی بیننده و منتظر) به کار رفته و ذهن ما از معنی نزدیک به معنی دور که مورد نظر شاعر است، می‌رسد.

○ نکته گاهی تخلص (نام شاعری) نیز در شعر ایهام دارد؛ تخلص‌هایی که بیش از یک معنی دارند؛

○ مثال خمش (۱- تخلص مولانا ۲- فعل امر به معنی «خاموش باش»)، سایه (۱- تخلص هوشنگ ابتهاج ۲- سایه و تیرگی)، شهریار (۱- تخلص محمدحسین بهجت تبریزی ۲- پادشاه)، رهی (۱- تخلص محمدحسین معیری ۲- راهی، بنده، برهی) و صائب (تخلص میرزا محمدعلی تبریزی ۲- راست و درست)

○ برای مثال در بیت زیر، واژه «پروین» هم به «پروین اعتصامی» و هم به «ستاره پروین» (ثریا) اشاره دارد و این دوگانگی معنایی، ایهام لطیف و زیبایی را پدید آورده است:

«با چنین درماندگی، از ماه و پروین بگذریم / گر که ما را باشد از فضل و ادب، بال و پری»

○ نکته برخی از واژه‌ها و عبارتها را می‌توان به دو صورت خواند و با دو معنای متفاوت و قابل قبولی به کار برد؛ این دوگانگی خوانشی و معنایی هم، سبب پدید آمدن نوعی از ایهام می‌شود؛ برای مثال در بیت زیر، اگر عبارت «دور از تو» را به شکل عادی بخوانیم، معنای «در دوری از تو» و چنان‌چه به شکل دعایی بخوانیم، معنای «از تو دور باد» از آن دریافت می‌شود:

«تو میندار که دور از تو اگر خاک شوم / آتش عشق من از باد هوا بنشیند»

○ نمونه‌های بیشتری از ایهام

«هر که را با می‌پرستان، سر خوش است / خوش بـود پیوسته چون ابروی تو»

(پیوسته: ۱- همیشه و دائم ۲- به هم پیوسته و متصل (صفت ابرو))

«گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید / گفتم که ماه من شو، گفتا اگر برآید»

(برآید: ۱- طلوع کند ۲- ممکن باشد)

«گل به لبخند و مرا گریه گرفته است نگو (باز: ۱- پرنده شکاری ۲- گشوده)	چون دلم تنگ نباشد؟ که پر بازم نیست»
«مستان دل اغیار چه لازم که در این عهد (قلب: ۱- دل ۲- سگه بدلی (تقلبی))	هر جای که قلبی است به بازار تو باشد»
«ای دمت عیسی، دم از دوری مزن (دوراندیش: ۱- عاقبت‌نگر ۲- آن‌که به دوری (جدایی) می‌اندیشد.)	من غلام آن که دوراندیش نیست»
«درد عاشق را دوايي بهتر از معشوق نیست (شیرین: ۱- مزه شیرین ۲- معشوقه فرهاد)	شربت بیماری فرهاد را شیرین کنید»
«اگر سنت اوست نوآوری (از نو: ۱- دوباره ۲- از قالب شعر نو)	نگاهی هم از نو به سنت کنیم»
«دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر (عهد: ۱- پیمان ۲- روزگار)	گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست»
«خانه زندان است و تنهایی ضلال (گلستان: ۱- باغ و گلزار ۲- کتاب گلستان)	هر که چون سعدی گلستانیش نیست»
«کیست حافظ که ننوشد باده بی‌آواز رود (رود: ۱- رودخانه ۲- نوعی ساز)	عاشق مسکین چرا چندین تجمل بایش»
«نه سایه دارم و نه بر، بیفکندم و سزاست (سایه: ۱- تخلص هوشنگ ابتهاج ۲- سایه)	و گرنه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند»
«به شهر عشق، منم شهریار و چون حافظ (شهریار: ۱- تخلص محمدحسین بهجت تبریزی ۲- پادشاه)	منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن»

ابهام تناسب

○ ویژگی واژه یا عبارتی است دست کم با دو معنی که یک معنی آن، اصلی و پذیرفتنی است؛ ولی معنی دیگر آن، با واژه یا واژه‌های دیگر، تناسب (مراعات‌نظیر) دارد.

○ به بیت زیر، توجه کنید:

«اگر سیاره گردون، سراسر مشتری گردد

در این‌جا «واژه مشتری» به چه معنی است؟ سیاره معروف؟ یا خریدار؟

شاید در نگاه اول تصور کنید که منظور از آن، «سیاره معروف» است زیرا با عبارت «سیاره گردون» رابطه معنایی تناسب (مراعات‌نظیر) دارد و در نگاه اول، معنی «سیاره» را به ذهن می‌آورد. در حالی که این گونه نیست و با این معنی، نمی‌توان بیت را معنی کرد. واژه «مشتری» در این بیت به معنی «خریدار» است؛ معنای بیت این گونه است: «اگر همه سیاره‌ها و اجرام آسمانی هم خریدار شوند، من خریداری نخواهم داشت.»

○ همین‌طور واژه «بو» در بیت زیر:

«بر بوی آن که در باغ یابد گلی چو رویت

در این بیت، واژه «بو» در معنای «امید و آرزو» به کار رفته است؛ اما از آنجا که با واژه‌های «گل» و «باغ» تناسب (مراعات‌نظیر) دارد، در نگاه اول معنی «بو و رایحه» را به ذهن می‌آورد، که اصلاً درست نیست؛ معنی بیت چنین است: «نسیم هر لحظه در اطراف چمن می‌گردد، به امید این‌که گلی مانند چهره زیبای تو پیدا کند»

تفاوت ایهام با ایهام تناسب

○ در ایهام، معمولاً هر دو معنی واژه پذیرفتنی است. اما در ایهام تناسب تنها یکی از معانی پذیرفتنی است، معنی دیگر با واژه یا واژه‌های دیگر تناسب (مراعات نظیر) می‌سازد.

○ به کمک ابیات زیر این تفاوت را بهتر درمی‌یابید:

الف) ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم
ب) مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
ای بی‌خبر ز لذت شرب مُدام ما
خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت

واژه «مدام» به معنی «۱- دائم و پیوسته ۲- شراب» یکی از واژه‌های ایهام‌ساز است که در کنکور سراسری هم مورد سؤال واقع شده است؛ اگر این واژه را در بیت اول با هر دو معنی به کار ببریم، پذیرفتنی به نظر می‌رسد؛ بنابراین «ایهام» است:

در معنی اول (دائم و پیوسته) ← (... ای کسی که از لذت دائم و پیوسته ما بی‌خبری!)

در معنی دوم (شراب) ← (... ای کسی که از لذت نوشیدن شراب ما بی‌خبری!)

○ اما در بیت دوم، فقط در معنی «دائم و پیوسته» قابل قبول و پذیرفتنی است؛ چون با کلمه «مست» تناسب دارد، بنابراین، «ایهام تناسب» است:

در معنی اول (دائم و پیوسته) ← (دائم و پیوسته نسیم گیسوی پیچان تو مرا مست می‌کند ...)

○ نمونه‌هایی از ایهام تناسب

«تا دل هرزگرد من رفت به چین زلف او ز آن سفر دراز خود، عزم وطن نمی‌کند»
← چین: ۱- چین و شکن (معنی اصلی) ۲- کشور چین، در تناسب با «سفر دراز و وطن»

«با چشم سیر، نان و پیازم به سفره چیست؟ اشکم بس است جایزه چشم‌سیری‌ام»
← سیر: ۱- متضاد گرسنه (معنی اصلی) ۲- نوعی سبزی، در تناسب با واژه «پیاز»

«زهره، سازی خوش نمی‌سازد، مگر عودش بسوخت کس ندارد ذوق مستی، میگساران را چه شد؟»
← عود: ۱- نوعی ساز (معنی اصلی) ۲- نوعی چوب خوش‌بو، در تناسب با «بسوخت»

«ماه‌م این هفته برون رفت و به چشمم سالی است حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است»
← ماه: ۱- استعاره از معشوق (معنی اصلی) ۲- ماه سی روزه، در تناسب با «هفته و سال»

«گر خرامی یک ره از خانه برون خورویان بر زُخت گردند مات»
← زُخ: ۱- چهره (معنی اصلی) ۲- مهره‌ای در شطرنج، در تناسب با واژه «مات»

«روی زمین چو نور بگیرد ز ماه تو گویی هزار زهره‌خورشید برسماست (سما: آسمان)»
← ماه: ۱- استعاره از چهره معشوق (معنی اصلی) ۲- ماه آسمان، در تناسب با «نور، زهره، خورشید، سما»

«گر هزار است بلبل این باغ همه را نغمه و ترانه یکی است»
← هزار: ۱- عدد هزار (معنی اصلی) ۲- بلبل (هزارستان)، در تناسب با «بلبل و باغ»

«بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار زین، به ندیده‌ایم که در بوستان توست»
← به: ۱- بهتر (معنی اصلی) ۲- میوه به، در تناسب با «درخت، میوه، بوستان»

«روی خوبت، آبتی از لطف بر ما کشف کرد ز آن زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما»
← آیت: ۱- نشانه (معنی اصلی) ۲- آیه قرآن، در تناسب با «کشف و تفسیر»

«یک روز که خسرو، زنگ قرآن، در شهناز، شوری به پا کرده بود.»

← شور: ۱- شور و هیجان (معنی اصلی) ۲- نوعی دستگاه موسیقی، در تناسب با «شهناز» نوایی در موسیقی

○ نکته گاهی از واژه‌های دو یا چندمعنایی در یک بیت یا جمله، فقط و فقط یک معنی به ذهن می‌رسد که در این صورت، ایهام یا ایهام‌تناسب ایجاد نمی‌کند؛ مانند واژه «مشتری» در بیت زیر که فقط معنی «خریدار» را به یاد می‌آورد:

«این همه مشتری و گرمی بازار نداشت یوسفی بود ولی هیچ خریدار نداشت»

فهرستی از مهم‌ترین واژگان و ترکیب‌هایی که ایهام یا ایهام تناسب می‌سازند

آهنگ: ۱- صدا ۲- قصد	باد: ۱- جریان هوا ۲- فعل دعایی (= باشد)
چنگ: ۱- پنجه ۲- نوعی ساز	نیست: ۱- نابود ۲- فعل (= نمی‌باشد)
عود: ۱- نوعی چوب خوش‌بو ۲- نوعی ساز	دم: ۱- نفس (مجاز از سخن) ۲- لحظه ۳- نسیم ۴- فعل امر از مصدر (دمیدن)
رود: ۱- رودخانه ۲- نوعی ساز	سر: ۱- عضوی از بدن ۲- مجاز از قصد و اندیشه
قانون: ۱- قاعده و اصول ۲- نوعی ساز	تنگ: ۱- باریک ۲- یک لنگه از بار (تنگ شکر)
ضرب: ۱- نواختن ۲- ریتم ۳- ضربه زدن ۴- سگه زدن	خویش: ۱- خود (ضمیر) ۲- خویشاوند
پرده: ۱- پوشش ۲- بوم نقاشی ۳- نوا و نغمه	سرگرم: ۱- مشغول ۲- گرم شدن سر از مستی شراب
نوا: ۱- توشه ۲- نغمه و سرود ۳- پرده موسیقی	دام: ۱- تله ۲- حیوان اهلی
شور: ۱- مزه شور ۲- شور و هیجان ۳- دستگاهی در موسیقی	برآید: ۱- طلوع کند، بالا بیاید ۲- ممکن شود
شهنواز: ۱- نام زنانه ۲- نوایی در موسیقی	خرابی: ۱- ویرانی ۲- مستی از می
شکسته: ۱- خرد شده ۲- نوایی در موسیقی	پَرم: ۱- پر من ۲- بپرم (فعل مضارع)
بالا: ۱- مخالف پایین ۲- قامت	زَنَم: ۱- زن هستم ۲- بزمن (فعل مضارع) ۳- زن من
مُدّام: ۱- دائم و پیوسته ۲- شراب	تاب: ۱- توان ۲- پیچ و تاب ۳- تابش و گرمی
دستان: ۱- لقب زال ۲- نیرنگ ۳- دست‌ها (جمع دست)	بند: ۱- توان ۲- پیچ و تاب ۳- ببند (فعل امر از بستن)
سواد: ۱- دانش (نوشته) ۲- سیاهی	چین: ۱- چین و تاب ۲- کشور چین
بی‌وزن: ۱- سبک ۲- بی‌ارزش ۳- بدون وزن عروضی	شیرین: ۱- معشوقه خسرو و فرهاد ۲- مزه
سپید: ۱- سفید ۲- از قالب‌های نو شعر فارسی	شکر: ۱- ماده شیرین (قند) ۲- معشوقه دوم خسرو پرویز
خشت: ۱- آجر نیخته ۲- نوعی نیزه کوچک	لاله: ۱- گل لاله ۲- نوعی چراغ قدیمی
گلستان: ۱- گلزار ۲- گلستان سعدی	هزار: ۱- عدد هزار ۲- هزار دستان (بلبل)
بوستان: ۱- باغ ۲- بوستان سعدی	بو: ۱- رایحه ۲- امید و آرزو
ضحاک: ۱- ماردوش معروف ۲- خندان	آهو: ۱- غزال ۲- عیب و نقص
تیر: ۱- ابزار جنگی ۲- از ماه‌های سال ۳- عطارد	پارسا: ۱- پرهیزگار ۲- پارسی
سرگرم: ۱- مشغول ۲- شاد و سرمست	زال: ۱- پدر رستم ۲- پیرزن سفیدموی
بار: ۱- اجازه ورود ۲- دفعه ۳- محموله	دیوان: ۱- کتاب شعر ۲- دیوها ۳- وزارتخانه (در قدیم)
باری: ۱- یک بار (برای محموله) ۲- یک دفعه ۳- خلاصه	روان: ۱- روح و جان ۲- جاری، رونده
راست: ۱- درست ۲- مستقیم ۳- سمت راست	عهد: ۱- پیمان ۲- روزگار
رشته: ۱- نخ ۲- نوعی بیماری ۳- شاخه	

چپ: ۱- سمت چپ ۲- دوبین (أحُول، آنکه چشمش چپ باشد).	داد: ۱- فعل (از مصدر دادن) ۲- بخشش ۳- حق و انصاف ۴- فریاد
مردم: ۱- انسان‌ها ۲- مردمک چشم	قربان: ۱- فدا و قربانی ۲- کمان‌دان (جعبه کمان)
روزی: ۱- یک روز ۲- رزق	مهر: ۱- عشق و محبت ۲- خورشید ۳- ماه مهر
زخم: ۱- جراحت ۲- ضربه	سیر: ۱- سبزی معروف ۲- مقابل گرسنه
دور از تو: ۱- دور بودن از تو ۲- الهی از تو دور باشد	سرای: ۱- خانه ۲- بسرای (فعل امر از سرودن)
روی: ۱- چهره ۲- فلز روی	بگذار: ۱- قرار بده ۲- اجازه بده ۳- رها کن
زمین‌گیر: ۱- ناتوان ۲- در زمین جای گرفته	باقی: ۱- باقی‌مانده ۲- جاویدان
خوان: ۱- سفره ۲- بخوان (فعل امر از «خواندن») ۳- بن مضارع «خواندن»	خرابات: ۱- خرابه‌ها ۲- محل فسق و فجور ۳- جای دور ریختن تعلقات
تمام: ۱- کامل ۲- بس ۳- پایان	دریغ: ۱- افسوس ۲- مضایقه
دور: ۱- گردش ۲- زمانه ۳- حلقه و محفل	زاد: ۱- ره توشه ۲- زاده شد
جولان: ۱- تاخت و تاز ۲- منطقه کوهستانی بین اردن و سوریه	بهشت: ۱- جنت و فردوس ۲- گذاشت (فعل ماضی از هشتن)
چشم: ۱- چشم و دیده ۲- بله	آیت: ۱- آیه ۲- نشانه و اثر
دل‌سپه: ۱- سنگ‌دل ۲- دارای مردمک سیاه (صفت چشم)	گهربار: ۱- ارزشمند ۲- گوهرافشان
آب: ۱- مایع نوشیدنی ۲- آبرو	صورت: ۱- چهره ۲- ظاهر ۳- تصویر
میان: ۱- وسط ۲- کمر	در گرفتن: ۱- اثر کردن ۲- شعله‌ور شدن
مرنج: ۱- فعل امر (= نرنج) ۲- از زندان‌های مسعود سعد	باز: ۱- دوباره ۲- گشوده ۳- پرنده شکاری ۴- آشکارا
عقده: ۱- بغض و گرفتگی روحی ۲- گره	تازی: ۱- عربی (زبان) ۲- اسب عربی ۳- تازنده
حرف: ۱- حرف الفبا ۲- مجاز از سخن	می‌کشید: ۱- می‌برد (قدم می‌کشید) ۲- رسم می‌کرد
گور: ۱- گورخر ۲- قبر	زدی: ۱- سر زدی (طلوع کردی) ۲- کوبیدی
شاه: ۱- پادشاه ۲- مهره شاه در بازی شطرنج	گرم: ۱- داغ ۲- صمیمی
رُخ: ۱- چهره ۲- مهره قلعه در بازی شطرنج	داغ: ۱- گرم ۲- مصیبت
اسب: ۱- اسب ۲- مهره‌ای در بازی شطرنج	نابراذر: ۱- برادر ناتنی ۲- ناجوانمرد
پیاده: ۱- مخالف سواره ۲- مهره سرباز در بازی شطرنج	غریب: ۱- عجیب ۲- ناآشنا و بیگانه
گل‌دسته: ۱- مناره ۲- دسته گل	شاهد: ۱- گواه ۲- زیبارو (عروس)
ماه: ۱- مهتاب ۲- سی روز ۳- استعاره از معشوق	دوش: ۱- شانه ۲- دیشب ۳- فعل امر (از دوشیدن)
هوا: ۱- آسمان و جو ۲- هوس و آرزو	لب: ۱- عضوی در صورت ۲- کنار و ساحل
قلب: ۱- دل ۲- مرکز و میانه ۳- سکه تقلبی	نقد: ۱- پرداخت آنی ۲- سکه فلزی ۳- جدا کردن خوب از بد

دوراندیش: ۱- عاقبت‌نگر ۲- آن‌که به دوری و جدایی می‌اندیشد.	کیش: ۱- آیین و مذهب ۲- تیردان (جعبه تیر) ۳- جزیره معروف
سر رفتن: ۱- لبریز شدن ۲- از دست دادن سر	نوش: ۱- شهد و عسل ۲- بنوش (فعل امر از نوشیدن)
میر: ۱- امیر و فرمانروا ۲- بمیر (فعل امر از مردن)	جهان: ۱- دنیا ۲- جهنده (صفت فاعلی از جهیدن)
منال: ۱- مال و ثروت ۲- ناله نکن (فعل امر از نالیدن)	نهاد: ۱- ذات و سرشت ۲- قرار داد (فعل ماضی)
صبر: ۱- شکیبایی ۲- گیاهی بسیار تلخ	خودبینی: ۱- غرور ۲- خود را دیدن
قلم کردن: ۱- قطع کردن ۲- تبدیل به قلم کردن	به: ۱- بهتر ۲- میوه به
شهمات شدن: ۱- گرفتار شدن ۲- مات شدن در بازی شطرنج	عزیز: ۱- دوست‌داشتنی ۲- عزیز مصر (لقب یوسف)
محکم: ۱- استوار ۲- محکمت (در برابر متشابهات قرآن)	سُخره: ۱- مسخره ۲- کار بی‌مزد
کی: ۱- چه زمانی (کلمه پرسشی) ۲- پادشاه	گلیم: ۱- نوعی فرش ۲- گل هستیم
سعی: ۱- کوشش ۲- عمل دویدن بین صفا و مروه در مکه	دارا: ۱- دارنده ۲- داریوش سوم
صفا: ۱- پاکیزگی ۲- مکانی در مکه (صفا و مروه)	خطر: ۱- حادثه ۲- مهم و با ارزش
خُمش: ۱- خاموش باش (فعل امر) ۲- تخلص مولانا	دیده: ۱- چشم ۲- دیده شده ۳- فعل ماضی (از مصدر دیدن)
سایه: ۱- شب ۲- تخلص هوشنگ ابتهاج	نای: ۱- نی ۲- حنجره ۳- از زندان‌های مسعود سعد
رهی: ۱- راهی ۲- بنده ۳- برهی ۴- تخلص رهی معیری	عین: ۱- مثل و مانند ۲- چشم
شهریار: ۱- پادشاه ۲- تخلص بهجت تبریزی	مشتری: ۱- خریدار ۲- سیاره معروف
کام: ۱- دهان ۲- آرزو	غریب: ۱- ناآشنا ۲- عجیب
مجنون: ۱- قیس بنی عامر (عاشق لیلی) ۲- دیوانه	شانه: ۱- کتف ۲- ابزار آرایش مو
سو: ۱- سمت و طرف ۲- نور	حد: ۱- اندازه ۲- مجازات شرعی
خلیل: ۱- دوست ۲- لقب حضرت ابراهیم (ع)	افتاده: ۱- بر زمین افتاده ۲- متواضع و فروتن
مهر و وفا: ۱- محبت و وفاداری ۲- نام شخصیت‌های داستانی عاشقانه	منصور: ۱- یاری شده، پیروز ۲- عارف نامی حسین بن منصور حلاج
قابل: ۱- قبول‌کننده ۲- لایق و سزاوار	نگران: ۱- نگاه‌کننده ۲- دلواپس و مضطرب
مخفی: ۱- پنهان ۲- تخلص شعری «زیب التّسا»	شمس: ۱- خورشید ۲- شمس تبریزی
مالک دینار: ۱- صاحب ثروت ۲- عارف معروف	پست: ۱- پایین و کم‌ارتفاع ۲- خوار و فرومایه
تار: ۱- تاریک ۲- هر رشته مو ۳- از ابزار موسیقی	خسرو: ۱- پادشاه ۲- خسرو پرویز
بوم: ۱- سرزمین ۲- جغد	حلاج: ۱- پنهان ۲- حسین بن منصور حلاج

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۲۰۴

در کدام بیت آرایه «ایهام» به چشم می‌خورد؟

- ۱) نفس باد صبا مُشک‌فشان خواهد شد
- ۲) ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد
- ۳) این‌تطاول که کشید از غم هجران بلبل
- ۴) گل عزیز است غنیمت شمریدش صحبت

۲۰۵

در کدام بیت، آرایه «ایهام تناسب» دیده می‌شود؟

- ۱) یاد باد آنکه ز ما وقت سحر یاد نکرد
- ۲) دل به امّید صدایی که مگر در تو رسد
- ۳) کُلُّکِ مَشَاطَةُ صُنْعُش نَكْشُد نَقْش مَراد
- ۴) سایه تا باز گرفتگی ز چمن مرغ سحر

۲۰۶

در کدام بیت آرایه «ایهام یا ایهام تناسب» به کار نرفته است؟

- ۱) گر چین سر زلف تو مَشَاطه گشاید
- ۲) به هوای دهنّت، نقد روان باید باخت
- ۳) بسیار دیده‌ایم درختان میوه‌دار
- ۴) غمزه و ابروی چون تیر و کمان، آفت ماست

۲۰۷

در کدام گزینه، واژه «شور» ایهام تناسب ایجاد کرده است؟

- ۱) ما را خدا از بهر چه آورد، بهر شور و شر
- ۲) در لطف همچو شیرم، اندر گلو نگیرم
- ۳) اگرچه رفت به تلخی در این طلب فرهاد
- ۴) یک شهر درآمد به تماشای فروغی

۲۰۸

در کدام بیت، دارای آرایه «ایهام تناسب» است؟

- ۱) من بعد حکایت نکنم تلخی هجران
- ۲) در بوم این سیاه‌دلان جُغْد می‌شویم
- ۳) وه که گر من باز بینم روی یار خویش را
- ۴) حافظ دلشده را با غمت ای یار عزیز

۲۰۹

در کدام بیت، آرایه «ایهام» دیده می‌شود؟

- ۱) نه وعده و صلّم ده، نه چاره کارم کن
- ۲) تا هر خس و خاشاکی، بوی نفسم گیرد
- ۳) خونابه دل تا کی، در پرده کشم چون گل
- ۴) خاک من مجنون راه، در پای صبا افشان

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
تا سرپرده گل نعره‌زنان خواهد شد
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد

به وداعی دل غم‌دیده ما شاد نکرد
ناله‌ها کرد در این کوه که فرهاد نکرد
هر که اقرار بدین حُسن خداداد نکرد
آشیاں در شکن طرّه شمشاد نکرد

عطّار به یک جو نخرد نافه چین را
در بهای سخت، جان جهان باید داد
زین به ندیده‌ایم که در بوستان توسّ
لیک ترکش نکنم گر همه قربان گردیم

دیوانگان را می‌کند زنجیر او دیوانه‌تر
تا در غلط نیفتی، گر شور چون پنیرم
نرفت از سر او شور شکر شیرین
تا بر سر او شور تماشای تو افتاد

کان میوه که از صبر برآمد، شکری بود
ورنه همای گوشه ویرانه خودیم
مردهای بینی که با دنیا دگر بار آمده است
اتحادی است که در عهد قدیم افتاده است

من تشنه آرام، خوارم کن و زارم کن
سرگشته به هر وادی، چون باد بهارم کن
از پرده برونم گش، رسوای دیارم کن
دامان بیابان راه، مشکین ز غبارم کن

۲۳۲

آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟

(تجربی ۹۵)

به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست (حسن تعلیل)
 سر من مدام مست و شب من سحر ندارد (کنایه)
 بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری (استعاره)
 مستی بنده هم به دعا آرزو کنی (ایهام)

۱) به لطف اگر بخوری خون من روا باشد
 ۲) تو که زاهدی به پرهیز، تو که عابدی سحرخیز
 ۳) بوی جان از لب خندان قدح می‌شنوم
 ۴) چون مست می‌شوی ز شرب مدام دوست

۲۳۳

در همه ابیات، آرایه‌های «ایهام و کنایه» هر دو وجود دارند، به جز بیت:

(ریاضی ۹۶)

کز نسیمش به دماغم همه بوی تو رسد
 که لاله می‌دمد از خون دیده فرهاد
 که عنان دل شیدا به کف شیرین داد
 خداوندا نگه دارش که بر قلب سواران زد

۱) من به بوی توام ای دوست، هواخواه بهار
 ۲) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
 ۳) من همان روز ز فرهاد طمع ببریدم
 ۴) خیال شهبازی پخت و ناگه شد دل مسکین

۲۳۴

ترتیب ابیات زیر به لحاظ داشتن آرایه‌های «ایهام تناسب، استعاره، کنایه، حس آمیزی» کدام است؟ (فایز از کشور ۹۶)

کز گلستان صفا بوی وفا می‌ندمید
 کام در کام نهنگ است، بباید طلبید
 چند گویی که مرا پرده به چنگ تو درید
 گو بگو از لب شیرین که لطیف است و لذید

الف) هفته‌ای می‌رود از عمر و به ده روز کشید
 ب) گر من از خار بترسم نبرم دامن گل
 ج) آخر ای مطرب از این پرده عشاق بگرد
 د) هر چه زان تلخ تر اندر حق من خواهد گفت

۱) الف، ب، ج، د (۲) ج، الف، ب، د (۳) ج، د، ب، الف (۴) د، الف، ب، ج

۲۳۵

ترتیب و توالی ابیات زیر به لحاظ آرایه‌های «ایهام، استعاره، حسن تعلیل، تشبیه و مجاز» کدام است؟ (انسانی ۹۷)

می‌روم و نمی‌رود ناقه به زیر محلم
 گل زین چمن تمام به چیدن نمی‌شود
 مکرر قند می‌ریزد لب لعل شکر بارش
 وین غم دیگر که دور از روی یارم می‌کشد
 در انتظار قامت رعنا می‌او بود

الف) بار فراق دوستان بس که نشسته بر دلم
 ب) سیر از رخ تو دیده به دیدن نمی‌شود
 ج) دمدام تلخ می‌گوید دعاگویان دولت را
 د) غم هجوم آورده می‌دانم که زارم می‌کشد
 ه) دانی قیامت از چه ندارد سر قیام

۱) ج، ب، د، الف، هـ (۲) ج، ب، د، هـ، الف (۳) د، ج، هـ، الف، ب (۴) ب، الف، هـ، ج، د

۲۳۶

ترتیب ابیات به لحاظ داشتن آرایه‌های «مجاز، حسن تعلیل، حس آمیزی، استعاره و ایهام» کدام است؟ (زبان ۹۸)

عجب مدار که آن عین آب حیوان است
 که بشنوم ز لب لعل یار بوی شراب
 مردم چشم فرو برده است دایم سر در آب
 نه چنان پایه چنین بی‌سروپایی برسد
 کشید قامت و چون سرور در چمن بنشست

الف) چو چشمه خضر از شعر من روان افزاست
 ب) گل امید من آن روز رنگ می‌گیرد
 ج) مردم دریا نیندیشد ز طوفان زان سبب
 د) سر پابوس تو دارم من و هیهات کجا
 هـ) فشاند سنبل و چون گل ز غنچه رخ بنمود

۱) ب، ج، الف، هـ، د (۲) ب، د، هـ، ج، الف (۳) د، ج، ب، هـ، الف (۴) د، هـ، ب، الف، ج

قالب‌های شعری

بخش ۲

پیش‌نیاز (یا آوری چند اصطلاح شعری)

۱ **مصراع و بیت:** به هر سطر از یک شعر، «بیت» می‌گویند. کمترین مقدار شعر، یک بیت است و هر بیت، خود از دو پاره تشکیل می‌شود که هر پاره، «مصراع» یا «مِصْرَع» نام دارد.

«گل از شوق تو خندان در بهار است» از آتش رنگ‌های بی‌شمار است»

(۱) مصراع

(۲) مصراع

بیت

۲ **قافیه:** به واژه‌های غیرتکراری پایان مصراع‌ها یا بیت‌ها که یک یا چند حرف آنها مشترک است، «قافیه» گفته می‌شود^۱ و به حرف یا حروف مشترک آنها هم، «حروف قافیه» می‌گویند؛ مانند واژه‌های «بهار و بی‌شمار» در بیت بالا و واژه‌های «پدیدار و رخسار» در بیت زیر، که در حروف «ار» مشترک هستند:

«چو در وقت بهار آیی پدیدار حقیقت، پرده برداری ز رخسار»

👉 **توجه:** حروف قافیه باید یکسان باشند؛ گاه برخی از شاعران، این اصل را رعایت نکرده‌اند، در نتیجه قافیه بیت آنها نادرست از کار درآمده است؛ مانند قافیه کردن دو واژه «إله و اژدها» در بیت زیر:

«سپر بر سر آورد شیر إله عَلم کرد شمشیر آن اژدها»

حال آنکه اگر شاعر به جای واژه «إله» برای مثال واژه «خُدا» را می‌آورد، در آن صورت، قافیه مشکلی نداشت و واژه‌های «خدا و اژدها» با حروف مشترک «ا» با یکدیگر قافیه می‌شدند.

۳ **ردیف:** به واژه‌هایی گفته می‌شود که در پایان مصراع‌ها و بیت‌ها، پس از واژه‌های قافیه، عیناً از نظر لفظ (شکل نوشتاری) و معنی تکرار می‌شوند؛ مانند واژه‌های «است» در بیت بالا (شماره ۱) و «داشت» در بیت زیر:

«بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت» و «درد آن برگ و نوا، خوش ناله‌های زار داشت»

قافیه ردیف

قافیه ردیف

🔍 **نکته ۱:** چنانچه واژه‌های پایانی، از نظر لفظ، یکسان، ولی از نظر معنی، متفاوت باشند، در این صورت، قافیه هستند نه ردیف؛ مانند واژه «روان» در بیت زیر که در مصراع اول به معنی «جاری» و در مصراع دوم به معنی «جان» به کار رفته و آرایه «جناس همسان» (تام) نیز ساخته است:

«ز بس بسوی و بس رنگ و آب روان همی نو شد از باد گفستی روان»

قافیه

قافیه

🔍 **نکته ۲:** همان‌گونه که گفته شد، «ردیف» بعد از واژه قافیه می‌آید؛ اما اگر واژه‌ای قبل از واژه‌های قافیه، تکرار شود، ردیف شمرده نمی‌شود؛ مانند واژه «گل» در بیت زیر:

«نبینی باغبان چون گل بکار»

قافیه

قافیه

🔍 **نکته ۳:** «ردیف» می‌تواند بیشتر از یک واژه باشد:

«ما دل به غم تو بسته داریم ای دوست»

قافیه

قافیه

درد تو به جان خسته داریم ای دوست»

ردیف

ردیف

۱. به بیتهایی که هر دو مصراع آن، قافیه داشته باشد، «مِصْرَع» گفته می‌شود. مانند بیت اول درس.

اما بیت زیر مِصْرَع نیست؛ زیرا هر دو مصراع آن، قافیه ندارد:

«مِصْرَعی از قلب من با مِصْرَعی از قلب تو»

شاه‌بیتی می‌شود در دفتر دیوان عشق»

تست‌های جامع (ترکیبی)

الگوی اول: آرایه در صورت سؤال

۵۷۹ کدام گزینه، فاقد آرایه «استعاره» است؟

- ۱) ما را زبان عرض محبت نبود لیک
- ۲) ای گل تاز، بر این بلبل نالنده خویشت
- ۳) از خنده برق، ابر در گریه شده
- ۴) چون گل روند و آیند، این دلبران و خوبان

۵۸۰ در همه ابیات به جز بیت «متناقض‌نما» دیده می‌شود.

- ۱) نام نیک عاشقان چون در جهان بدنامی است
- ۲) شتود اگر غم من، نه غمین نه شاد گردد
- ۳) هر سلطنت که خواهی، می‌کن که دلپذیری
- ۴) من نیست شدم، نیست شدن مایه هستی است

۵۸۱ در کدام گزینه، «اسلوب معادله» به کار نرفته است؟

- ۱) با همه خلق نمودم خم ابرو که تو داری
- ۲) گفت: آسان گیر بر خود کارها کز روی طبع
- ۳) نرگس ار لاف زد از شیوه چشم تو مرنج
- ۴) حافظ از میل به ابروی تو دارد شاید

۵۸۲ در همه گزینه‌ها به جز گزینه آرایه «حسن تعلیل» یافت می‌شود.

- ۱) گشت بیمار که چون چشم تو گردد نرگس
- ۲) خیال آن بت خون‌ریز از چشمم نشد بیرون
- ۳) ای دل‌گر از آن چاه زنخدان به در آیی
- ۴) سوز دل بین که ز بس آتش اشکم، دل شمع

۵۸۳ کدام گزینه، فاقد «حسن آمیزی» است؟

- ۱) گرم و تر است وعده وصلت چو روح و می
- ۲) هر شرب سرد کرده که دل چاشنی گرفت
- ۳) به می آواز هر مرغی لطیف و طبع‌ساز آید
- ۴) اگر حلاوت لاحول تو به دیو رسد

۵۸۴ در همه گزینه‌ها، به جز «ایهام» به کار رفته است.

- ۱) تا چند هوشیار باشم، ساقی! بده ساغر من
- ۲) یوسف مصر را بگو، سگّه به نام خود مزین
- ۳) عشق، سلطانی است کاو را حاجت دستور نیست
- ۴) تا لشکر غم تو بشکست قلب ما را

رحمت نمود لعل تو بر بی‌زبان‌ام
رحم کن رحم که بی‌برگ و نو می‌میرد
وز گریه ابر، باغ در خنده شده
تو در برابر من، چون سرو ایستادی

نیک‌نام آن کاو به بدنامی برآید نام او
به کدام امیدواری غم خود به یار گویم
در دست خو برویان دولت بود اسیری
این نیست به هستی ابتدا کم نفروشم

ماه نو هر که ببیند به همه کس بنماید
سخت می‌گردد جهان بر مردمان سخت‌کوش
نروند اهل نظر از پی نابینایی
جای در گوشه محراب کنند اهل کلام

شیوه تو نشدش حاصل و بیمار بماند
از آن در خواب هم ریزد ز چشم قطره‌های خون
هر جاکه روی زود پشیمان به در آیی
دوش بر من ز سر مهر چون پروانه بسوخت

امید من به منزلت شهید و شیر باد
با بانگ نوش نوش چشمیدم به صبحگاه
به دست می ز شادی هر زمان ما را جواز آید
فرشته‌خو شود آن دیو و ماهرو گردد

پر کن ز می ساغرم را تا گرم سازی سر من
هر پسری عزیز شد، یاد پدر نمی‌کند
طایران عشق را پروازگه جز طور نیست
بر دل ولایت جان شد بیشتر گشاده

در کدام بیت همه آرایه‌های «ایهام، حس آمیزی، جناس و تلمیح» یافت می‌شود؟

- ۱) گرچه شیرین‌دهان پادشهانند ولی
- ۲) پیراهنی که آید از او بوی یوسفم
- ۳) آتش روی بتان در خود مزن
- ۴) شاد باش ای موسی عمران به چابک‌معجزه

۶۰۷

در کدام بیت آرایه‌های «حس آمیزی، تشبیه، کنایه و جناس» یافت می‌شود؟

- ۱) ابرم اما تشنه هر آب تلخی نیستم
- ۲) از جواب تلخ، گوشم چون دهان مار شد
- ۳) دسته گل شد سر دستار بی‌دردان و من
- ۴) دل حریف خنده دندان‌نمای شانه نیست

۶۰۸

دو آرایه شاخص عبارت زیر، در کدام بیت، یافت می‌شود؟

«عشق، آتش است؛ هر جا که باشد، جز او رخت دیگری نهند.»

- ۱) من شدم از دست، تو باقی بخوان
- ۲) عروس این سخن را زیوری داد
- ۳) برداشت به سوی آسمان دست
- ۴) مه گرچه به چشم خلق زیباست

۶۰۹

در کدام بیت «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- ۱) از راه نظر مرغ دل‌م گشت هواگیر
- ۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه
- ۳) مرغ دل باز هوادار کمان‌برویی است
- ۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه

۶۱۰

در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟

- ۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است
- ۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟
- ۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟
- ۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست

۶۱۱

کدام دو واژه در بیت زیر، «ایهام» دارند؟

- «از نواهای مخالف می‌کشند آزار خلق
 ۱) نوا، ساز ۲) آهنگ، نوا ۳) نوا، مخالف ۴) ساز، آهنگ»

۶۱۲

در همه ابیات، هر دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؛ به جز:

- ۱) دفتر گل را به آب چشم خواهد پاک شست
- ۲) هر خسی قیمت نداند ناله شب‌خیز را
- ۳) خامشی دریا و گفت‌وگو خس و خاشاک اوست
- ۴) شوکت شاهی سبک‌سنگ است در میزان عدل

۶۱۳

در کدام بیت، آرایه «لف و نشر و ایهام» به چشم می‌خورد؟

- ۱) گرچه کامم ز لب نوش تو تلخ است اما
- ۲) ز سودای رخ و زلفش غمی دارم شبانروزی
- ۳) لب شیرین تو گویا به حدیث آمد باز
- ۴) با خیال روی و مویش غرق نور و ظلمتم

۶۱۴

- (انسانی خار از کشور ۹۹)
 گر کسی گوش دهد قصه شیرین دارم
 مرا صبح وصال او نمی‌گردد شبی روزی
 که برآورده بسی شور ز هر شیدایی
 کو نظر‌بازی که سیر صبح و شام من کند

۶۲۸ در کدام بیت آرایه «متناقض‌نما» (پارادوکس) به کار رفته است؟ (ریاضی ۸۹)

- ۱) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرزد
- ۲) گر چو شبنم نفسی هم‌نفس گل بودم
- ۳) یافت با شکوه ره زندگی من پایان
- ۴) حاصل ذوق و هنر، خون جگر بود مرا

۶۲۹ در کدام بیت، همه آرایه‌های «تشبیه، کنایه، حس آمیزی، تناقض، مراعات نظیر و جناس» به کار رفته است؟ (انسانی ۸۷)

- ۱) گر کسی ماه ندیده است که خندید آن است
- ۲) خار مهرش چو برآورد سر از پای کسی
- ۳) دید خورشید زخس وز سر انصاف به ماه
- ۴) نکنم رو تَرُش ار تیز شود کز لب او

۶۳۰ در کدام بیت، هر سه آرایه «استعاره، تضاد و کنایه» وجود دارد؟ (فارغ از کشور ۸۷)

- ۱) گلزار زُخت هست چنان تازه‌بهراری
- ۲) ای زلف تو سر تا قدم آشوب جهانی
- ۳) برخاسته‌ایم از سر جان تا بنشینیم
- ۴) الفِ قَدِّ تو پیش همه مقبول افتاد

۶۳۱ در کدام بیت، غیر از تشبیه، آرایه‌های «استعاره، تشخیص، مراعات نظیر، کنایه و جناس» نیز به کار رفته است؟ (فارغ از کشور ۸۵)

- ۱) شبی یاد دارم که چشمم نخفت
- ۲) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت
- ۳) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را
- ۴) شبی چون شَبّه^۲ روی شسته به قیر

الگوی دوم: آرایه در گزینه

۶۳۲ بیت زیر، به آرایه‌های کدام گزینه، آراسته شده است؟

- «هر کسی را خسرو آسا شور شیرینی است بر سر»
- ۱) واج‌آرایی، تلمیح، تشبیه، استعاره
 - ۲) جناس، تشبیه، تلمیح، ایهام تناسب
 - ۳) حس آمیزی، تضاد، ایهام، جناس
 - ۴) تشبیه، واج‌آرایی، تضاد، ایهام تناسب

۶۳۳ بیت زیر به کدام آرایه‌های ادبی، آراسته شده است؟

- «اشک تا سر کرد از چشمم به دورم شد محیط»
- ۱) ایهام، تشبیه، حس آمیزی، واج‌آرایی
 - ۲) تیر آه از سینه‌ام برخاست بر گردون نشست»
 - ۳) ایهام، تشبیه، مجاز، کنایه
 - ۴) حسن تعلیل، استعاره، تضاد، مجاز

۶۳۴ در بیت زیر که در مورد «عشق» است، کدام آرایه ادبی نیامده است؟

- «گشت عالم را سسرایا جای گنجایش نیافت»
- ۱) استعاره
 - ۲) تشبیه
 - ۳) پارادوکس
 - ۴) حسن تعلیل

۱. سَهِی: راست، تازه

۲. شَبّه: نوعی سنگ سیاه

۶۷۰ آرایهٔ مشترک ابیات زیر، کدام است؟

- (الف) شهبازم ارچه بسته‌زبانم به گاه صید
 (ب) چو یار آشنا ما را غلام خویش می‌خواند
 (ج) باز بر من نظر افکنده شکاراندازی
 (د) دوش، زلف سیهت بنده‌نوازی‌ها کرد
- ۱) ایهام ۲) ایهام تناسب ۳) استعاره ۴) پارادوکس

۶۷۱ آرایه‌های ابیات زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- (الف) هر گه که دل به عشق دهی، خوش دمی بود
 (ب) با دل سنگ تو دارد نسبتی خارا ولیک
 (ج) خدایش تیغ نصرت داده در چنگ
 (د) احوال خود بگویم با زلفش آشکارا
- (هـ) چون صبا گفتهٔ حافظ بشنید از بلبل
- ۱) تمثیل، ایهام، حسن تعلیل، مجاز، تشبیه
 ۲) تمثیل، ایهام، مجاز، استعاره، حسن تعلیل
 ۳) استعاره، مجاز، حسن تعلیل، تمثیل، ایهام
 ۴) استعاره، مجاز، ایهام، تمثیل، حسن تعلیل

۶۷۲ بیت زیر، می‌تواند مطلع کدام قالب شعری قرار گیرد؟

- «گفتم: ای دوست، شدم عاشق آن روی چو ماه
 ۱) دوبیتی ۲) رباعی
 گفت: لا حول و لا قوه الا بالله»
 ۳) قطعه ۴) غزل

۶۷۳ شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟

- «گل نیست چنین سرکش و رعنا که تویی
 غم بر سر غم ریخته آن‌جا که منم
 ۱) رباعی ۲) چهارپاره
 مه نیست بدین گونه فریبا که تویی
 دل بر سر دل ریخته آن‌جا که تویی»
 ۳) دوبیتی ۴) قطعه

۶۷۴ آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟

- «به روز تیرهٔ ما صبح، شوگر خنده‌ها دارد
 ۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص
 ۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام
 ۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی
 ۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره

۶۷۵ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «ز مهر روی او عمری است تا دم می‌زنی «سلمان»
 ۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه
 ۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
 ۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی
 ۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص

۶۷۶ آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

- «ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ
 ۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد
 ۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس
 ۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد
 ۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

۶۷۷ آرایه‌های ادبی بیت زیر، «تماماً» در کدام گزینه درست است؟

- «در آن تنگ دهن ز آن عقد دندان حیرتی دارم
 ۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه
 ۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز
 ۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی
 ۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز

(تجربی ۹۹)

(انسانی ۹۹)

(هنر ۹۹)

(زبان ۹۹)

(ریاضی ۸۸)

۷۲۳ کدام گروه آرایه‌های ادبی در بیت زیر، یافت می‌شود؟

- «باران اشکم می‌دود وز ابرم آتش می‌جهد با پختگان گوی این سخن، سوزش نباشد خام را»
- (۱) تشبیه، استعاره، کنایه، تضاد
(۲) تشبیه، پارادوکس، اسلوب معادله، ایهام
(۳) مراعات‌نظیر، تشبیه، پارادوکس، ایهام
(۴) مراعات‌نظیر، استعاره، اسلوب معادله، تضاد

۷۲۴ در بیت «در سر من عشق بپیچید سخت / ورنه چرا بامزه گفتارمی» همه آرایه‌های یافت می‌شود. (زبان ۸۷)

- (۱) کنایه، حسن تعلیل، ایهام، اسلوب معادله
(۲) حسن تعلیل، حسن آمیزی، مجاز، کنایه
(۳) حسن آمیزی، مجاز، ایهام، اسلوب معادله
(۴) کنایه، تشبیه، تلمیح، تضمین

(هنر ۸۵)

۷۲۵ در کدام گزینه، هر سه آرایه بیت زیر ذکر شده است؟

- «شور فرهاد کجا کم شود از پاسخ تلخ رو تزش کردن شیرین به شکر می‌ماند»
- (۱) حسن تعلیل، ایهام، سجع
(۲) کنایه، تشبیه، تلمیح
(۳) استعاره، تلمیح، جناس
(۴) تضاد، استعاره، متناقض‌نما

الگوی سوم: آرایه در مقابل گزینه

۷۲۶ در کدام گزینه، یکی از آرایه‌های مقابل بیت، نادرست است؟

- (۱) گر خون دل از دیده روان شد، شده باشد رازی که نهان بود عیان شد، شده باشد
(تضاد - تکرار)
- (۲) دین و دل و عقلم همه شد در سر کارت جان نیز اگر بر سر آن شد، شده باشد
(مجاز - تلمیح)
- (۳) هر کاوگل رخسار تو یک بار ببیند گر جامه‌دران، نعره‌زنان شد، شده باشد
(کنایه - تشبیه)
- (۴) بر یاد زخت دیده غم‌دیده عشاق بر هر مه و مهر از نگران شد، شده باشد
(ایهام - استعاره)

۷۲۷ در کدام گزینه، یکی از آرایه‌های مقابل بیت، نادرست است؟

- (۱) میلی اگر ندارد با عارض تو ابرو پیوسته از چه باشد چون قد من خمیده
(ایهام تناسب - حسن تعلیل)
- (۲) چو آبم برد این آتش، ز اشکم دیده شد دریا چو روزم تیره شد از غم، ز آهم خانه روشن شد
(اغراق - استعاره)
- (۳) خیال‌انگیز و جان‌پرور چو بوی گل سراپایی نداری غیر از این عیبی که می‌دانی که زیبایی
(تشبیه - متناقض‌نما)
- (۴) خبرت خراب‌تر کرد جراحی جدایی چو خیال آب روشن که به تشنگان نمای
(واج‌آرایی - ایهام)

۷۲۸ در همه گزینه‌ها، به جز گزینه هر دو آرایه مقابل بیت درست است.

- (۱) در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرد، مرده است روان
(اسلوب معادله - جناس)
- (۲) به هیچ مبحث و دیباچه‌ای قضا ننوشت برای مرد کمال و برای زن، نقصان
(استعاره - تضاد)
- (۳) وظیفه زن و مرد ای حکیم، دانی چیست؟ یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیان
(تشبیه - تلمیح)
- (۴) ز بیش و کم، زن دانا نکرد روی ترش به حرف زشت، نیالود نیک‌مرد دهان
(کنایه - مجاز)

۷۵۹ در کدام گزینه، هر دو آرایهٔ مقابل بیت درست است؟

- ۱) به بوی زلف تو هر دم حیات تازه می‌یابم
(استعاره - مجاز)
- ۲) آتش عشق تو چون زبانه برآرد
(اغراق - تشبیه)
- ۳) هیچ پنهان نتوان دید بدان پیدایی
(تناقض - ایهام)
- ۴) بیرون شد اختیار دل و دین ز چنگ ما
(جناس همسان - استعاره)

(تجربی ۹۹)

۷۶۰ آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:

- ۱) چه سان مژگان خونین‌گریهٔ ما را نگه دارد
(اسلوب معادله، ایهام)
- ۲) پهلو به حیات ابدی می‌زند آن زلف
(ایهام تناسب، کنایه)
- ۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی
(ندارد و نه جنسی غیر یوسف کاروان ما)
- ۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار
(زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح)

(ریاضی ۹۹)

۷۶۱ آرایه‌های مقابل ابیات در همهٔ گزینه‌ها تماماً درست است؛ به جز:

- ۱) نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر
(حسن تعلیل، واج‌آرایی)
- ۲) باغبان هم‌چو نسیم ز در خویش مران
(ایهام، کنایه)
- ۳) در غبار خاطر مجنون حصارى گشته است
(دیدۀ آهو ز شرم نرگس شهلاى تو)
- ۴) پرده‌های دیده‌اش پیراهن یوسف شود
(استعاره، تشبیه)

(انسانی ۹۹)

۷۶۲ آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات، تماماً درست است؛ به جز:

- ۱) راستی را بندهٔ شمشاد بالای توام
(ندارد و نه جنسی غیر یوسف کاروان ما)
- ۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد
(تلمیح، ایهام تناسب)
- ۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل
(مجاز، تشبیه)
- ۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی
(چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟)

(هنر ۹۹)

۷۶۳ آرایه‌های همهٔ ابیات در مقابل آنها درست است؛ به جز:

- ۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی
(جناس تام، مجاز)
- ۲) به بزمگاه چمن دوش، مست بگذشتم
(مجاز، ایهام)
- ۳) چون دل شب می‌زنم صائب بر آهنگ فغان
(اغراق، استعاره)
- ۴) بپر زین خاکدان زنهار با خود سرمهٔ بینش
(وگرنه کور هیبهات است در محشر شود بینا)

(تشبیه، واج‌آرایی)

تاریخ ادبیات درس به درس

بخش ۱

فارسی ۱۰

درس ۱

چشمه - پیرایه خرد

تاریخ ادبیات

الهی‌نامه (تعلیمی - نظم و در قالب مثنوی) ← عطار نیشابوری

چشمه و سنگ (تعلیمی - نظم و در قالب مثنوی) ← نیما یوشیج (علی اسفندیاری)

کلیله و دمنه (تعلیمی - نثر / نثر آمیخته به نظم) ← ترجمه نصرالله منشی

گونه‌شناسی

- ادبیات تعلیمی ← آن دسته از آثار ادبی که شاعر یا نویسنده به کمک آنها موضوع و مفهوم رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز بازگو می‌کند.
- اثر تعلیمی ← اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از «حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری» را بیان می‌کند.
- قالب آثار تعلیمی ← شعر (به‌ویژه قطعه) و نثر با بهره‌گیری از داستان یا حکایت
- محتوا و موضوع آثار تعلیمی ← بیان حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری
- شکل و شیوه بیان آثار تعلیمی ← تخیلی - ادبی و به شیوه روایی یا نمایش
- کاربرد ویژه آثار تعلیمی تخیلی - ادبی ← کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان
- نمونه‌هایی از آثار تعلیمی ← قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی و برخی از آثار طنز

شعرو شاعر

- ◆ یکی قطره باران ز ابری چکید
بلندی از آن یافت کاو پست شد
سعدی (در قالب مثنوی)
- ◆ پشت دیوار آنچه گویی، هوش دار
تا نباشد در پس دیوار، گوش
سعدی
- ◆ ما را سر باغ و بوستان نیست
هر جا که تویی تفرّج آن‌جاست
سعدی
- ◆ عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت
فتنه‌انگیز جهان نرگس جادوی تو بود
حافظ

مبارت و کتاب

- ◆ هرچند تدبیر در هنگام بلا فایده بیشتر ندهد؛ با این همه، عاقل از منافع دانش هرگز نومید نگردد و در دفع مکاید دشمن، تأخیر صواب نبیند.
- ترجمه نصرالله منشی (از کتاب کلیله و دمنه)

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۸۷۴ کتاب «الهی‌نامه» به و خالق آن، است.

(۱) نظم - مولوی (۲) نثر - مولوی (۳) نظم - عطار (۴) نثر - عطار

۸۷۵ شعر زیر، در چه «قالبی» سروده شده است و «سراینده» آن کیست؟

«یکی قطره باران ز ابری چکید
که جایی که در یاست، من کیستم؟
چو خود را به چشم حقارت بدید
بلندی از آن یافت، کاو پست شد
مثنوی - سعدی (۲) قطعه - سعدی (۳) مثنوی - ناصر خسرو (۴) قطعه - ناصر خسرو

خجل شد چو پهنای دریا بدید
گر او هست، حقا که من نیستم
صدف در کنارش به جان پرورید
در نیستی کوفت تا هست شد»



از آموختن، ننگ مدار - دیوار

درس ۲

فارسی ۱۰

تاریخ ادبیات

قابوس‌نامه (تعلیمی - نثر) ← عنصر المعالی کیکاووس

دیوار (تعلیمی - نثر) ← جمال میرصادقی

اشاره: در داستان «دیوار»: (۱) زاویه دید: سوم شخص (دانای کل) (۲) شخصیت اصلی: ناصر (۳) دیوار: نماد مانع و محدودیت / بتا: نماد عامل ایجاد مانع و محدودیت / همسایه: نماد اجتماع (۴) درون‌مایه: انتقاد از محدودسازی روابط اجتماعی

شعر و شاعر

♦ شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم زود آیند و زود می‌گذرند

ابن‌حسام خوشفی

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۸۷۶ کدام گزینه نادرست است؟

(۱) در ادبیات تعلیمی، موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز به شیوه اندرز، بازگو می‌شود.
(۲) آثار ادبی باید تخیلی - ادبی باشند تا مسئله‌ای را به صورت روایی یا نمایشی با جذابیت بیشتر ارائه دهند.
(۳) اثر تعلیمی، اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری را بیان می‌کند.
(۴) آثار تعلیمی را می‌توان در قالب شعر و نثر و به صورت طنزآمیز بیان کرد.

۸۷۷ در همهٔ گزینه‌ها هر دو اثر، تعلیمی به‌شمار می‌آیند، به‌جز گزینهٔ

(۱) قابوس‌نامه، داستان دیوار (۲) کلیله و دمنه، قابوس‌نامه
(۳) گلستان، بوستان (۴) منطق‌الطیر، شاهنامه

۸۷۸ داستان «دیوار» نوشتهٔ کیست؟

(۱) جلال آل‌احمد (۲) جمال میرصادقی (۳) نادر ابراهیمی (۴) عبدالحسین وجدانی

تاریخ ادبیات جامع

بخش ۲

فهرست الفبایی کل آثار و مشخصات آنها در یک نگاه

نام اثر	پدیدآورنده	قالب	گونه
اتاق آبی	سهراب سپهری	نثر	شرح حال (خاطره)
اخلاق محسنی	حسین واعظ کاشفی	نثر	تعلیمی
ارزیابی شتاب زده	جلال آل احمد	نثر	شرح حال
ارمیا	رضا امیرخانی	نثر	داستانی
از پاریز تا پاریس	محمد ابراهیم باستانی پاریزی	نثر	شرح حال
اسرارالتوحید	محمد بن منور	نثر	زندگی نامه
اسرارنامه	عطار نیشابوری	نظم (مثنوی)	غنایی (عرفانی)
الهی نامه	عطار نیشابوری	نظم (مثنوی)	غنایی (عرفانی)
الهی نامه (حدیقة الحقیقة)	سنایی غزنوی	نظم (مثنوی)	غنایی (عرفانی)
بانگ جرس	حمید سبزواری	نظم	پایداری
بخارای من، ایل من	محمد بهمن بیگی	نثر	شرح حال (خاطره)
بوستان	سعدی	نظم	تعلیمی
بهارستان	جامی	نثر (نثر آمیخته به نظم)	تعلیمی
بینوایان ^۱	ویکتور هوگو	نثر	داستانی
پرنده‌ای به نام آذرباد	ریچارد باخ (مترجم: سودابه پرتوی)	نثر	داستانی
پیامبر و دیوانه	جبران خلیل جبران	نثر	داستانی
گوشواره عرش (مجموعه کامل شعرهای آیینی)	سید علی موسوی گرمارودی	نظم (شعر سپید)	غنایی (پایداری)
تاریخ بیهقی	ابوالفضل بیهقی	نثر	تعلیمی

۱. به نام این اثر و نویسنده آن در متن درس هشتم (از پاریز تا پاریس)، فارسی ۳، اشاره شده است.

مسیافر	یوهان کریستف فریدریش شیللر	نثر	غناپی
من زنده‌ام	معصومه آباد	نثر	خاطره
منطق الطیر	عطار نیشابوری	نظم (مثنوی)	عرفانی
میثاق دوستی (عنوان درس)	لطفعلی صورتگر	نثر	خاطره
هم‌صدا با حلق اسماعیل	سیدحسن حسینی	نظم	غناپی
هوا را از من بگیر، خندهات را نه!	پابلو نرودا	نظم	غناپی

🔗 **توجه** معرفی نویسندگان پشت جلد کتاب‌های درسی فارسی (۱)، (۲) و (۳) را برای احتیاط بخوانید.

← تخلص و شهرت

نام شاعر یا نویسنده	تخلص یا شهرت
علی اسفندیاری	نیما یوشیج
محمد رضا شفیعی کدکنی	م. سرشک
محمود شاهرخی	جذبه
محمد حسین بهجت تبریزی	شهریار
محمد علی مجاهدی	پروانه
محمد رضا رحمانی	مهرداد اوستا
مهدی اخوان ثالث	ماث (در خوان هشتم)
سرور اعظم باکوچی	سپیده کاشانی
نجم‌الدین رازی	دابه
شمس تبریزی	شمس پرند
جلال‌الدین محمد بلخی	مولوی (مولانا، مولانای روم، رومی)

۱. **بدیع‌الزمان فروزانفر** (متولد بشرویه خراسان)
 محقق، ادیب و شاعر معاصر، چهره‌ای کم‌نظیر در نقد و تصحیح متون که شاگردان بزرگی تربیت کرد. حافظه قوی، وسعت آگاهی، دقت علمی و احاطه بر اشعار فارسی و عربی از او چهره‌ای ممتاز ساخته بود. مهم‌ترین آثار: ۱- زندگانی جلال‌الدین محمد، معروف به مولوی ۲- مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی ۳- احادیث مثنوی ۴- شرح مثنوی شریف ۵- شرح کلیات شمس تبریزی یا دیوان کبیر ۶- شرح فیهمافیة مولانا جلال‌الدین (مولوی) ۷- دیوان اشعار

۲. **غلامحسین یوسفی** (متولد مشهد)
 در ۲۴ سالگی دکترای ادبیات فارسی گرفت، پس از دبیری دبیرستان‌ها و استادی ادبیات فارسی در دانشگاه، به مطالعه و تحقیق در کشورهای مختلف پرداخت. نثر وی روان، پخته، جذاب و عمیق است. مهم‌ترین آثار: ۱- دیداری با اهل قلم ۲- چشمه روشن ۳- برگ‌هایی در آغوش باد ۴- کاغذ زر ۵- تصحیح بوستان و گلستان سعدی ۶- ترجمه شیوه‌های نقد ادبی (اثر دیوید ویچرز) ۷- ترجمه داستان من و شعر (اثر نزار قبانی)

۳. **مهدی محقق** (متولد مشهد)
 استاد بازنشسته دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات فارسی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی که در کنار برخورداری از تحصیلات عالی دانشگاهی، در علوم حوزوی نیز درجه اجتهاد به دست آورد. مهم‌ترین آثار: ۱- تحلیل اشعار ناصرخسرو ۲- شرح بزرگ دیوان ناصرخسرو (تاکنون در دو جلد) ۳- فیلسوف ری، محمدبن زکریای رازی (برنده جایزه بهترین کتاب سال) ۴- تصحیح انتقادی «دیوان ناصرخسرو» (با همکاری مجتبی مینوی) ۵- تصحیح بخشی از «شرح منظومه حکمت ملاهادی سبزواری» و ترجمه آن به زبان انگلیسی (با همکاری پروفسور ایروئسو، اسلام‌پژوه ژاپنی)

سرایندگان نامی رباعی و غزل اجتماعی

سرایندگان نامدار غزل اجتماعی	سرایندگان نامدار چهارپاره
محمّدتقی بهار	ملک‌الشعراى بهار
عارف قزوینی	فریدون مشیری
فَرّخى یزدی	فریدون تولّی
ابوالقاسم لاهوتی (سروده ای میهن)	حمیدی شیرازی (امواج سند)

گونه‌شناسی (۱): ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی	آن دسته از آثار ادبی که شاعر یا نویسنده به کمک آنها موضوع و مفهوم رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز را به شیوه اندرز بازگو می‌کند.
اثر تعلیمی	اثری است که با هدف آموزش و تعلیم، موضوع‌هایی از «حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری» را بیان می‌کند.
قالب آثار تعلیمی	شعر و نثر با بهره‌گیری از داستان یا حکایت
محتوا و موضوع آثار تعلیمی	بیان حکمت، اخلاق، مذهب یا دانشی از معارف بشری
شکل و شیوه بیان آثار تعلیمی	تخیلی - ادبی به شیوه روایی یا نمایشی
کاربرد ویژه آثار تعلیمی تخیلی - ادبی	کتاب‌های درسی و ادبیات کودک و نوجوان
آثار تعلیمی	قابوس‌نامه، کلیله و دمنه، گلستان، بوستان، مثنوی معنوی، تاریخ بیهقی و آثار طنز

- ۱ کوتاه‌های جمله‌ها
 - ۲ استواری و پختگی در نگارش
 - ۳ دقت و صداقت در بیان
 - ۴ ذکر دقیق جزئیات
 - ۵ توصیفات گیرا و دقیق
- ویژگی‌های کتاب تاریخ بیهقی

گونه‌شناسی (۲): ادبیات پایداری

ادبیات پایداری (ادب مقاومت)	متن‌هایی که در آن‌ها نویسنده یا شاعر با تفکر انتقادی خویش، فریاد مظلومیت آزادی‌خواهان را به گوش می‌رساند و خواننده را به ایستادگی، مبارزه و سازش‌ناپذیری در برابر ظلم فرامی‌خواند.
نمونه سروده‌ها یا نوشته‌های ادبیات پایداری	در امواج سند (حمیدی شیرازی)، بانگ جرس (حمید سبزواری)، قصه شیرین فرهاد (احمد عربلو)
موضوع‌های اصلی	ستایش آزادی و آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی و حق‌جویی، دعوت به مبارزه و پایداری در برابر بیدادگران

پیرامون زندگی مولانا

- ◉ محمد ملقب به جلال‌الدین مشهور به «مولانا» یا «مولوی» ← متولد اوایل قرن هفتم در شهر بلخ
- ◉ دلیل شهرت مولانا به «رومی» یا «مولانای روم» ← اقامت طولانی مدت وی در قونیه
- ◉ پدر جلال‌الدین ← محمدبن حسین خطیبی، معروف به «بهاء‌الدین ولد» از دانشمندان روزگار خود
- ◉ ملاقات جلال‌الدین با عطار ← در پنج شش سالگی به همراه پدر، بلخ را به مقصد حج ترک می‌کند و در نیشابور با شیخ فریدالدین عطار ملاقات می‌کند.
- ◉ نام کتابی که عطار به مولانا هدیه می‌دهد ← اسرارنامه
- ◉ ازدواج جلال‌الدین ← هجده سالگی با گوهرخاتون
- ◉ زمان تدریس و موعظه‌گری (مجلس و عظ) مولانا ← در بیست و چهار سالگی، بعد از درگذشت پدر و به اصرار مریدان (شاگردان) شمس تبریزی ← پیر و مرشدی که مولانا سال‌ها در جست‌وجویش بود و در حدود سی‌وهشت سالگی با وی ملاقات کرد و چهل روز با او خلوت عارفانه داشت.
- ◉ شمس پرنده ← لقب شمس تبریزی (به دلیل سیر و سفر و پرواز در عالم معنا این لقب به او داده شد).
- ◉ دلیل رفتن شمس از قونیه به دمشق ← فزونی گرفتن خشم و غضب مردم
- ◉ غیبت شمس ← دو بار اتفاق می‌افتد: بار اول که قونیه را به قصد دمشق ترک می‌کند، مولانا فرزند خود، «سلطان ولد» را با مطلع (بیت آغازین): «بروید ای حریفان، بکشید یار ما را / به من آورید آخر، صنم گریزیا را» به طلب وی روانه دمشق می‌کند و او را می‌یابد و به قونیه بازمی‌گرداند؛ اما به علت آزارسانی یاران مولانا، شمس بار دوم، برای همیشه قونیه را ترک می‌کند و جایی می‌رود که دیگر خبری از او نیست.
- ◉ نتیجه نشست‌ها و ملاقات‌های مولانا با شمس ← سبب انقلاب احوال مولانا می‌گردد.
- ◉ روزگار مولانا پس از شمس ← مولانا به همت یاران نزدیک خود، صلاح‌الدین زرکوب و حسام‌الدین چلبی به نشر معارف الهی مشغول می‌شود.
- ◉ درخواست حسام‌الدین از مولانا ← به نظم درآوردن کتابی به طرز «الهی‌نامه سنایی» یا «منطق‌الطیر عطار»؛ و مولانا بی‌درنگ از دستار خود، کاغذی که مشتمل بر هجده بیت آغازین مثنوی بود (بشنو از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی‌ها شکایت می‌کند /...) بیرون آورد، در ادامه مولانا می‌سرود و حسام‌الدین می‌نوشت تا این‌که کتاب مثنوی شکل گرفت.
- ◉ بهترین یادگار اتمام همدمی مولانا با یاران خود به‌ویژه حسام‌الدین ← سرودن کتاب گران‌بهای مثنوی، که یکی از عالی‌ترین آثار ادبی ایران و اسلام است.
- ◉ «سعدی» و «فخرالدین عراقی» ← از شاعران و عارفان هم‌روزگار مولانا که ظاهراً هر دو با وی دیدار و ملاقات داشته‌اند.
- ◉ غزلی از مولانا که سعدی را شیفته او ساخت ← «هر نفس آواز عشق می‌رسد از چپ و راست / ما به فلک می‌روییم، عزم تماشا که راست /...»
- ◉ آخرین غزلی که مولانا هنگام مرگ سرود ← «رو سر بنه به بالین، تنها مرا رها کن / ترک من خراب، شبگرد مبتلاکن /...»
- ◉ وفات مولانا ← غروب روز یکشنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری

۲ سهراب و گردآفرید:



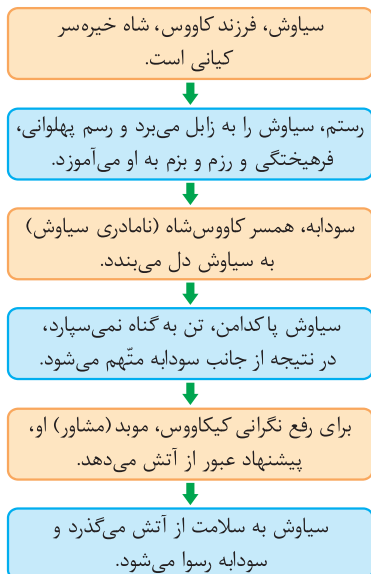
۳ کاوه دادخواه:



۵ خوان هشتم:



۴ گذر سیاوش از آتش:



داستان «سیاوش و سودابه» از جهاتی با داستان‌های «یوسف و زلیخا» و «در آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع)» شباهت‌هایی دارد.

تست‌های جامع (ترکیبی) تاریخ ادبیات

هر یک از آثار زیر، به ترتیب از چه کسی است؟ ۱۰۳۶

- «مثل درخت در شب باران، در حیاط کوچک پاییز در زندان، هم صدا با حلق اسماعیل، تیرانا»
- ۱) محمد رضا شفیعی کدکنی، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی، محمد رضا رحمانی
 - ۲) مهدی اخوان ثالث، مهرداد اوستا، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی
 - ۳) م. سرشک، مهدی اخوان ثالث، سیدحسن حسینی، مهرداد اوستا
 - ۴) مهرداد اوستا، محمد رضا شفیعی کدکنی، سلمان هراتی، سید مهدی شجاعی

«روضه خُلد، چشمه روشن، سندباد نامه، اخلاق محسنی» به ترتیب از آثار چه کسانی است؟ ۱۰۳۷

- ۱) غلامحسین یوسفی، مجد خوافی، ظهیری سمرقندی، حسین واعظ کاشفی
- ۲) غلامحسین یوسفی، مجد خوافی، نصرالله منشی، مجید واعظی
- ۳) مجد خوافی، غلامحسین یوسفی، نصرالله منشی، مجید واعظی
- ۴) مجد خوافی، غلامحسین یوسفی، ظهیری سمرقندی، حسین واعظ کاشفی

پدیدآورنده هر یک از آثار «سانتاماریا، اتاق آبی، سه دیدار» به ترتیب چه کسی است؟ ۱۰۳۸

- ۱) سیدمهدی شجاعی، اخوان ثالث، رسول پرویزی
- ۲) سید مهدی شجاعی، سهراب سپهری، نادر ابراهیمی
- ۳) محمد رضا رحمانی، اخوان ثالث، رسول پرویزی
- ۴) محمد رضا رحمانی، سهراب سپهری، نادر ابراهیمی

خالق آثار «کویر، ارزبازی شتاب زده، شلوارهای وصله دار» به ترتیب چه کسانی هستند؟ ۱۰۳۹

- ۱) علی شریعتی، جلال آل احمد، رسول پرویزی
- ۲) علی شریعتی، نیما یوشیج، نادر ابراهیمی
- ۳) محمد ابراهیم باستانی پاریزی، جلال آل احمد، رسول پرویزی
- ۴) محمد ابراهیم باستانی پاریزی، نیما یوشیج، نادر ابراهیمی

کدام گزین به ترتیب به پدیدآوردگان آثار «قصه شیرین فرهاد، زندان موصل، من زنده‌ام، ارمیا» اشاره دارد؟ ۱۰۴۰

- ۱) رضا امیرخانی، کامور بخشایش، مرتضی آوینی، معصومه آباد
- ۲) احمد عربلو، کامور بخشایش، معصومه آباد، رضا امیرخانی
- ۳) احمد عربلو، معصومه آباد، کامور بخشایش، رضا امیرخانی
- ۴) مرتضی آوینی، اصغر ریاط جزی، معصومه آباد، کامور بخشایش

خالق آثار «فیه مافیة، جوامع الحکایات و لوامع الزوایات، تذکرة الاولیا» به ترتیب چه کسی است؟ ۱۰۴۱

- ۱) مولوی، ظهیری سمرقندی، عطّار
- ۲) عطّار، ظهیری سمرقندی، مولوی
- ۳) عطّار، محمد عوفی، محمد بن منور
- ۴) مولوی، محمد عوفی، عطّار

«روزها، بخارای من - ایل من، از پاریز تا پاریس، عباس میرزا آغازگری تنها» به ترتیب نوشته چه کسانی است؟ ۱۰۴۲

- ۱) محمدعلی اسلامی ندوشن، محمد بهمن بیگی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، لطفعلی صورتگر
- ۲) محمد ابراهیم باستانی پاریزی، محمدی اشتهدادی، محمدعلی اسلامی ندوشن، مجید واعظی
- ۳) محمدعلی اسلامی ندوشن، محمد بهمن بیگی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، مجید واعظی
- ۴) محمد ابراهیم باستانی پاریزی، محمدی اشتهدادی، محمدعلی اسلامی ندوشن، لطفعلی صورتگر

۱۰۹۴ در کدام گزینہ، ہمہ آثار، «نثر آمیختہ بہ نظم» شمرده می‌شوند؟

- ۱) تاریخ بیہقی، گلستان، چشمہ روشن، اسرارنامہ ۲) گلستان، روضہ خلد، تمہیدات، بہارستان
- ۳) چشمہ روشن، بہارستان، روضہ خلد، سیاستنامہ ۴) روضہ خلد، تاریخ بیہقی، اسرارنامہ، تمہیدات

۱۰۹۵ در کدام گزینہ، تمامی آثار دارای «نثر مسجّع و آہنگین» هستند؟

- ۱) روضہ خلد، جوامع الحکایات، بہارستان ۲) کلیلہ و دمنہ، گلستان، جوامع الحکایات
- ۳) بہارستان، روضہ خلد، گلستان ۴) اسرار التّوحید، فیہ مافیہ، کلیلہ و دمنہ

(فارغ از کشور ۹۸)

۱۰۹۶ کدام آثار «ہمگی»، «نثر آمیختہ بہ نظم» است؟

- ۱) اسرارالتوحید، روضہ خلد، منطق الطیر، فیہ مافیہ
- ۲) مرصادالعباد، روضہ خلد، کلیلہ و دمنہ، جوامع الحکایات
- ۳) بہارستان جامی، تاریخ بیہقی، قصہ شیرین فرہاد، تمہیدات
- ۴) گلستان سعدی، تذکرۃ الاولیاء، حملہ حیدری، قصص الانبیا

(زبان ۹۹)

۱۰۹۷ کدام آثار «ہمگی» منظوم‌اند؟

- ۱) ہفت پیکر، الہی نامہ، تحفۃ الاحرار
- ۲) لیلی و مجنون، اناق آبی، مثنوی معنوی
- ۳) تذکرۃ الاولیاء، پیامبر و دیوانہ، مثل درخت در شب باران
- ۴) در حیاط کوچک پاییز در زندان، تیرانا، دری بہ خانہ خورشید

(فارغ از کشور ۹۹ با اندکی تغییری)

۱۰۹۸ کدام آثار بہ ترتیب «منثور، منثور، منظوم، منظوم» است؟

- ۱) سہ دیدار، پرندہای بہ نام آذرباد، حملہ حیدری، تمہیدات
- ۲) داستان‌های دل‌انگیز فارسی، من زندہام، روزہا، لیلی و مجنون
- ۳) فی حقیقہ العشق، از پاریز تا پاریس، قصہ شیرین فرہاد، اسرارالتّوحید
- ۴) سندبادنامہ، فیہ ما فیہ، دری بہ خانہ خورشید، گوشوارہ عرش

(انسانی فارغ از کشور ۹۹ با اندکی تغییری)

۱۰۹۹ کدام آثار، بہ ترتیب «منظوم، منثور، منثور، منظوم» است؟

- ۱) اناق آبی، تحفۃ الاحرار، مرصادالعباد، لطایف الطوائف
- ۲) سمفونی پنجم جنوب، پیامبر و دیوانہ، فرہاد و شیرین، تیرانا
- ۳) الہی نامہ، گوشوارہ عرش، پیامبر و دیوانہ، گلستان
- ۴) دیوان غربی - شرقی، کویر، الہی نامہ، مثل درخت در شب باران

۱۱۰۰ در کدام بیت، «واژہای» یادآور اثری از «محمد علی اسلامی ندوشن» است؟

- | | |
|--|--|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) مرغ باغ ملکوتم نیام از عالم خاک ۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد ۳) گزیدہ صحبت بیگانگان و ناہلان ۴) روزہا رفت کہ دست من مسکین نگرفت | <ol style="list-style-type: none"> ۱) چند روزی قفسی ساختہ‌اند از بدنم ۲) دوستی و مہر بر یک عہد و میثاق بود ۳) ز قوم و کشور و ایل و تبار خود محروم ۴) زلف شمشادقدی، ساعد سیم‌اندامی |
|--|--|

۱۱۰۱ در بیت واژہای وجود دارد کہ یادآور اثری از «جمال میرصادقی» است.

- | | |
|--|--|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱) ای کہ در کوچہ معشوقہ ما می‌گذری ۲) گفت: آن یار کز او گشت سر دار بلند ۳) جان می‌دہم از حسرت دیدار تو چون صبح ۴) کز ہر کرانہ تیر دعا کردہام روان | <ol style="list-style-type: none"> ۱) بر حذر باش کہ سر می‌شکند دیوارش ۲) جرمش این بود کہ اسرار ہویدا می‌کرد ۳) باشد کہ چو خورشید درخشان بہ درآیی ۴) باشد کز آن میانہ یکی کارگر شود |
|--|--|

۱۱۳۱ چنان چه ابیات زیر را براساس سراینندگان آن‌ها: «بیدل دهلوی، سعدی، سنایی، عطار» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

- الف) با زمان دیگر اندازی که پندم می‌دهی
ب) گل اگرچه هست بس صاحب‌جمال
ج) با اهل فنا دارد هر کس سر یکرنگی
د) در این مقام، طرب بی‌تعب نخواهی دید
- ۱) الف - ب - د (۲) ج - الف - د - ب (۳) الف - ج - د - ب (۴) الف - ج - ب - د

۱۱۳۲ هر یک از عبارات‌های زیر، به ترتیب از چه کتابی است و نویسنده آن کیست؟

- الف) مردان، بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند؛ نه به قوت تن.
ب) در عشق قدم نهادن، کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.
- ۱) (بهارستان - جامی)، (تمهیدات - عین‌القضات همدانی)
۲) (بهارستان - جامی)، (فی حقیقة‌العشق - شهاب‌الدین سهروردی)
۳) (گلستان - سعدی)، (تمهیدات - عین‌القضات همدانی)
۴) (گلستان - سعدی)، (فی حقیقة‌العشق - شهاب‌الدین سهروردی)

(تجربی ۹۹)

- ۱۱۳۳ ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟
- الف) عشق‌بازی کار بی‌کاران بود
ب) جهد بر توسست و بر خدا توفیق
- ۱) بیدل دهلوی، نظامی گنجوی
۲) نعمت‌الله ولی، سنایی
۳) صائب تبریزی، مسعود سعد سلمان
۴) نظام وفا، ملامحسن فیض کاشانی

(ریاضی ۹۹)

- ۱۱۳۴ ابیات زیر، به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟
- الف) تا زَترِ خاکی ای درخت تنومند
ب) زور داری چون نداری علم کار
- ۱) ابن‌حسام خوسفی، سنایی
۲) عطار نیشابوری، خواجه کرمانی
۳) ادیب‌الممالک فراهانی، مجد خوافی
۴) ابن‌حسام خوسفی، جلال‌الدین محمد مولوی

(انسانی ۹۹)

- ۱۱۳۵ ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟
- الف) اولاً تجرید شو از هر چه هست
ب) سرو و مهت نخوانم خوانم، چرا نخوانم؟
- ۱) سلمان ساوجی، خاقانی
۲) محمدتقی بهار، منوچهری
۳) هاتف اصفهانی، بیدل دهلوی
۴) اسیری لاهیجی، فرّخی سیستانی

(هنر ۹۹)

- ۱۱۳۶ عبارات زیر، به ترتیب از چه کسانی هستند؟
- الف) گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببیند، بگیرد و حد زند.
ب) مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان‌که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.
- ۱) نجم‌الدین رازی، محمدبن منور
۲) محمد عوفی، عین‌القضات همدانی
۳) خواجه نظام‌الملک، عطار نیشابوری
۴) عنصرالمعالی کیکاووس، محمدبن منور

۷۵ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه، «جام» در معنی حقیقی خود به کار رفته است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) سر مجاز از قصد و خاطر (۲) دست مجاز از اسیر و گرفتار (۴) خون مجاز از کشتن

۷۶ ۴ ۳ ۲ ۱ مجاز در سایر گزینه‌ها: (۱) شهر (مجاز از مردم) (۲) گنجه (مجاز از مردم گنجه) (۳) اروپا (مجاز از مردم اروپا)

۷۷ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه، واژه «دشت» در «معنای حقیقی» خود، یعنی «صحرا و بیابان» به کار رفته است. در سایر گزینه‌ها «دشت»، مجاز از «مردم» است؛ محل حضور مردم (دشت) به جای مردم آمده است.

۷۸ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه «کلاس» مجاز از «دانش‌آموزان» است.

۷۹ ۴ ۳ ۲ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) خون: مجاز از کشتن (۳) سر: مجاز از قصد (۴) لب و دندان: مجاز از کل دهان / شکر: مجاز از سخن شیرین [به علاقه مشابهت] (استعاره)

۸۰ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه، «سعدی» در معنای حقیقی خود به کار رفته است؛ ولی در سایر گزینه‌ها «سعدی» مجاز از «شعر و سخن سعدی» است.

۸۱ ۴ ۳ ۲ ۱ مجاز در سایر گزینه‌ها: (۱) سر ← مجاز از انسان / مغز ← مجاز از عقل و خرد (۳) رنگ ← مجاز از حال و وضع (۴) بازو ← مجاز از قدرت و عمل / سعی ← مجاز از حاصل و نتیجه کار و تلاش

۸۲ ۴ ۳ ۲ ۱ عبارت‌های (۱) و (۴) تشبیه ندارند؛ حذف گزینه‌های (۱) و (۴). / عبارت (۳) استعاره ندارد؛ حذف گزینه (۳). / بررسی آرایه‌های پیشنهادی در گزینه (۲): تشبیه: بهار حیات علمی و اجتماعی (اضافه تشبیهی ← حیات علمی و اجتماعی: مشبه / بهار: مشبه‌به) / استعاره: درخت (استعاره از تحصیلات و مدارج علمی) / مجاز: جوانی (مجاز از عمر)

۸۳ ۴ ۳ ۲ ۱ «مهتاب» استعاره از «چهره یار» / بررسی سایر گزینه‌ها: (۲) عالم: مجاز از مردم (۳) می: مجاز از جام / کف: مجاز از دست (۴) می: مجاز از جام

۸۴ ۴ ۳ ۲ ۱ خاک: مجاز از کشور و سرزمین ایران / گل: استعاره از افراد مبارز و شهادت طلب / گلشن: استعاره از میهن و سرزمین ایران / در گزینه‌های (۳) و (۴)، فقط «استعاره» دیده می‌شود؛ شعله: استعاره از عشق به میهن / توسن: استعاره از وجود باهمت و سرشار از خشم / در گزینه (۲)، هیچ‌یک از دو آرایه استعاره و مجاز دیده نمی‌شود.

۶۶ ۴ ۳ ۲ ۱ «ستاره» مجاز با رابطه شباهت یا همان «استعاره» از «اشک» است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) «کَلک» (قلم)، مجاز از «شعر و سخن» با رابطه «ابزاری»؛ زیرا «کَلک» (قلم)، ابزار نوشتن است. (۳) «عالم» مجاز از «مردم» با رابطه «مکانی»؛ زیرا «عالم»، جایی برای مردم است. (۴) «الحمد» مجاز از سوره «فاتحه» با رابطه «جزئی»؛ زیرا «الحمد» جزئی از سوره «فاتحه الکتاب» است.

۶۷ ۴ ۳ ۲ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) نفس: مجاز از «سخن» (۳) سال: مجاز از «سن و عمر» (۴) شمشیر: مجاز از «مبارزه»

۶۸ ۴ ۳ ۲ ۱ «مزگان» مجاز از «چشم» است. «مزگان» که جزئی از چشم است به جای «چشم» به کار رفته است.

۶۹ ۴ ۳ ۲ ۱ الف) محمل: مجاز از «شتر» به قرینه «مران» (ب) طبیب: مجاز از «درمان و علاج» به قرینه «دردی که ...»

۷۰ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه سه «مجاز» ولی در هر یک از گزینه‌های دیگر، دو «مجاز» به کار رفته است؛ بررسی گزینه‌ها: (۱) جوانان: مجاز یا استعاره از «گل‌های تازه رویده» (با رابطه شباهت) / چمن: مجاز از «باغ و بوستان و دشت» (با رابطه جزئی) (۲) حرف: مجاز از «سخن» (با رابطه جزئی) / عالم: مجاز از «مردم» (با رابطه محلیه) (۳) لعل: مجاز یا استعاره از «لب و دهان یار» (با رابطه شباهت). گهر: مجاز از «سخن ارزشمند» (با رابطه شباهت) / کف: مجاز از «دست» (با رابطه جزئی) (۴) گل: مجاز از «بهار» با رابطه (جزئی) / شاهد و می: مجاز از «خوش‌گذرانی» (با رابطه جزئی)

۷۱ ۴ ۳ ۲ ۱ ۱- فردا: مجاز از «آینده» (با رابطه جزئی) ۲- قدح: مجاز از «شراب» (با رابطه ظرفیه) ۳- امروز: مجاز از «اکنون و در حال حاضر» (با رابطه کلیه) ۴- فردا: مجاز از «آینده» (با رابطه جزئی)

۷۲ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه، «جهان» مجاز از «مردم» است؛ در سایر گزینه‌ها، «جهان» در معنای حقیقی خود به کار رفته است.

۷۳ ۴ ۳ ۲ ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) فردا ← مجاز از قیامت (۳) سر ← مجاز از قصد (۴) سینه ← مجاز از دل

۷۴ ۴ ۳ ۲ ۱ در این گزینه، «سینه» در معنای حقیقی خود و در سایر گزینه‌ها در معنای مجازی «دل» به کار رفته است.